

مذکور خواهد گذازد و اجازه فروش اسلحه
به راجر داده نخواهد شد مگر به کسیکه ثابت نمایند
که غرضی در این تجارت ندارند

بعجزد انتشار این اعلان جراند فرانسه نوشتند
که این قانون یکدفعه منافی با معاهده فرانسه است
زیرا فرانسه بلا واسطه حق این تجارت را داشت
و چنان تصور میکنند که پارلمان فرانسه بدون
مناوضه قبول چنین قانونی را نخواهد نمود

بر حسب تلگراف لندن مورخه ۲۰ ستمبر
روز نامه طمس در مقاله افتتاحیه خود مینویسد که
آمدن مسیو سزانوف وزیر خارجه روس بلندن
گویا برای تصحیح مسئله ایران است و تا کید میکند
به دولت انگلیس که همان مسلک آزادی را که
روس در شمال اختیار نموده در جنوب هم اختیار
شود. روزنامه مذکور مینویسد که دولتین هر گاه
صاف صاف دوستانه مبادله خیالات کنند میتوانند
صریحاً یک مسلک مستقیمی را در ایران اتخاذ نمایند
و اگر دولتین مایلند که یک دفعه استقلال سلطنت
ایران مهتم نگردد لازم است که در جنوب و
شمال مسلکی موثرانه و ذمه دارانه اختیار نمایند و
برای چنین اختیار مسلکی ترمیم عهدنامه روس و
انگلیس لازم خواهد آمد. اگرچه خیلی مشکلات
در پیش است ولی اگر دولتین متحد شده چشم پوئی
از مسائل جزئی نموده چنانچه در سال ۱۹۰۷
زده اساس مسئله را قائم دارد بهیچ وجه حل
آن مشاکی دشوار نیست

مسیو سزانوف وزیر خارجه روس روز جمعه
۲۰ ستمبر وارد انگلستان گردید و در استکه
راه آهن وکتوویا سیر روس مقیم لندن و نماینده
وزیر خارجه انگلستان او را استقبال نموده و پذیرائی
شد. در آن موقع شخصی بطرف وی روان
و مقوائی بدستش که بر او نوشته بود از ایران خارج شو
(حاله کنیند بر روس) مشارالیه را پلیس ختیه گرفتار نمود
مسیو سزانوف وزیر خارجه روس دیروز ۲۱
ستمبر به سرادوردگری در وزارت خارجه انگلستان
ملاقات نمود و چنان کان میروند که بعدها توام به
[پارول] مسافرت نموده در آنجا گفتگوی زیاد من باب
ایران نمایند که اخبارات املاع بر آنرا خیلی لازم
می شمارند و تصور می نمایند که این گفتگو مبنی بر
معاهده جدیدی در باره ایران میباشد

دیروز ضمن تا بد نموده است که معاهده دولتین
من باب ایران تجدید شود و دولت روس چنانچه در
هر گونه اقدامات حصه شالی ایران آزاد است انگلیس
هم در هر گونه اقدامی بجنوبی آزاد باشد
دبلی نیوز مجوزاً طمس را موضوع بحث قرار

داده میگوید این تجویز صریحاً مبنی بر تقسیم ایران است
و مینویسد که فرقه احرار انگلستان هماره طرفدار
حکومت بوده در این موقع باید منتهای فشار را به
حکومت وارد آرند که پیروی نماید بمواد معاهده سال
۱۹۰۷ و قشون روس را جداً از ایران خارج کنند

دبلی کراییکل مینویسد اگر چه سرادوردگری
مایل نیست که ذمه داری خود را در ایران زیاد نماید
ولی لازم است که این مسئله تصحیح شده و یکدفعه
خاتمه بانقلابات ایران داده شود.

شخصی که بطرف وزیر خارجه روس حین ورود
او رفته و گرفتار شده بود چون حرکتش دیوانه وار
قصدهش حمله بر وی بود رها گردید

سالارالدوله و یار محمد خان تخلیه نمودند شهر
کرمانشاهان را و شاهزاده فرما فرما با قشون دولت
قاپض بر او گردیدند بی اینکه تصادمی با قشون
مخالف پیش آید

بر حسب خبری که از بوشهر به کراچی رسیده
اشرار قشقائی که در نواح فارس آمدند بمحسودا سیم
تلگراف بین شیراز و بوشهر را قطع کرده و این
دفعه نقصان زیاد وارد آورد. چند هفته قبل
افواضات کاذبه شهرت یافته بود که خارجیان
قصده مداخلت در امور داخله آنها دارند و مصمم
سرکوبی اشرار بمیت ژنرال مری تحت افسری سویدی
ها شده شروع به تهدید حکومت در قطع نمودن
سیم تلگراف گردید ولی این تهدید خیلی سخت بود
چه از یک طرف سیم تلگراف را قطع میکردند و از
طرف دیگر تعمیر می شد. ولی این ایام اخیر برای
محافظه خود و دفاع از ژنداری قبیع مختارات تلگرافی
را بقسمی نموده اند که خیلی وقت می خواهد تا مجدداً
تعمیر بشود و امنیت برقرار آید

خبر رسمی وزارت خارجه ایران

(بجنرال قونسلیگری هندوستان)

در خصوص واقعه کرمانشاهان یار محمد خان
از اردوی دولتی شتلاً جدا شده کرمانشاهان را
تصرف و سالارالدوله را بکرمانشاهان دعوت و
وارد کرد. لیکن اهمیتی ندارد از کردستان فرما فرما
با سوارمختیاری و مجاهد و اروانه بسمت کرمانشاهان
حرکت کرده عنقریب امر آنجا تصحیح خواهد شد
فرمانفرمای فارس هم در حدود اصفهان است امیر
منمخ در حوالی کرمان با راهزنان بهارلو مصادف
شده جنگ سخت کرده اند قریب یکصد نفر از
بهارلو مقتول و اموال زیادی که در این مدت غارت
کرده بودند پیدا شده و امنیت کامل در آن نواحی
برقرار [اعلام السلطنه]

جلد پنجم کلک

دیپل کالج انجمن تبر

HAHULIMATIN OFFICI

4, MEDICAL COLLEGE STRAD
CALCUTTA

کلیه امور اداره بامدر

کل مؤیدالاسلام است

هر دو شنبه طبع

سه شنبه توزیع میشود

بوم دوشنبه

۱۵ شوال ۱۳۳۰ هجری

مصادف با

۳۰ سپتمبر ۱۹۱۲ میلادی

و کلاه حق المذا ابرو که بدون قبض ندارد و تا وقتی که
مغز کهن را قبض مخصوص سال بیستم است نباید
ذمه کفان بری شناخته میشود

تازه مقدس

(قیمت اشتراک)

ساله — شش ماه

هند و برمه

۱۲ روپیه — ۷ روپیه

ایران و افغانستان

۴۰ قران — ۲۵ قران

عمانی و مصر

۵ مجیدی — ۳ مجیدی

اروپا و چین

۳۰ فرانک — ۱۶ فرانک

سنه ۱۳۱۱

مراسلات خصوصی بدون امضای

روس و زکستان

۱۰ منات — ۶ منات

المبتدیان

در این جریده از هر گونه اخبار و وقایع سیاسی و منافع دواقی و فواید ملای بحث میشود
(مقالات عام المنفعه مقبول و در انتشارش اداره آزادست)

چرا جگرها پاره نکرد

تمدنین اروپا قرن بیستم را قرن تمدن و نورانیت می نامند ، و اروپا صلیب را خواه از هر جنس باشد متلدن - منصف - نوع خواه میگویند ، و سایر اقوام را بو حشت و حیوانیت و عدم انصاف مازد میکنند - ولی هر کس اندک نظر بینا داشته باشد می بیند که فقط اروپائیان معنی تمدن را مسیحیت دانسته ولو هر قدر مرتکب اعمال و حشت کارانه کرده و تمدن ترین دول که صیت انصاف و تمدن خود را بمایان رسانیده دولت انگلیس است که بدبختی با وحشی ترین دول روی زمین یعنی روس دست اتحاد داده فشار بایران مظلوم که میخواهند حفظ حقوق و وطن آبی خود را نمایند آورده آن بیچارگان را بسخت ترین وضع کشته و بدتر از اینکه درندگان با حیوانات اهلی سلوک میکنند با ایرانیان رفتار میکنند آیا گناه ایرانیان چیست ؟ آیا به ممالک روس و انگلیس تاخته اند ؟ آیا حقوق آنها را ابطال کرده اند ؟ آیا مانع از تجارت آنها شده اند ؟ نه ، نه ، فقط خواستشان حفظ استقلال و وطن اسلامی بوده - میخواستند خود را از زیر بار ظلم استبداد برهاند - خواستند حقوق خویش را محفوظ دارند ، دند مثل ملل سایر خویشتن را آراسته - خواهش داشتند وطن شان را برای مراد نه و تجارت و سیاست با جمیع دول باز - آیا چه سلوک شده ؟ و این سلوک عدل و انصاف و از روی تمدن بود ؟ آیا

گناهی جز مسلمانی و وطن خواهی داشته اند ؟ آنچه تا کنون در وقعه تبریز و وحشت کاریهای روس و قتل اطفال و زنان بیگناهان نکاشته آمده بر آشنایان جراید پوشیده نیست ولی برخی مردمان دور و دراز میتوانند شبهه اغراق در آفت نکارشات نمایند ، اینک ما سه عکس از وجه عکسهایکه به علامه شهر و مستشرق نوع خواه پروفیسر پرون در وقعه جانب گداز تبریز رسیده و در اخبار ایحیت لندن منتشر یافته در ورقه جداگانه شمیمه همین اخبار انتشار میدهم و مراسم مخصوص پروفیسر مذکور را که درین موضوع نکاشته ذیلاً ترجمه مینمایم تا بر عالمیان وحشت کاریهای روسیان و مظلومیت و سن خواهان ایران در تبریز ظاهر گشته و انگلیسان اجتناب نمایند به دوستی چنین دولت وحشت کاری ، عجباً هنوز هم جناب سرادوردگری میتوانند برده روی مظالم روس در ایران بکشند ؟ آیا میتوانند باز بفرمایند که روس آن گونه وحشت کار نیست که مخالفینش جلوه میدهند ؟ آیا هنوز هم جای شبهه باقی است که مقاصد روس در ایران چیست ؟ آیا سزاوار انصاف و عدالت و مهرت خواهد بود که مجدداً برای منافع سیاسی خودشان با روس معامله جدید بسته شالی ایران را با استیلای وحشت کارانه او واگذارند ؟ آیا تاریخ دنیا باین مسلک تاریک چگونه انگلستان را یاد خواهد نمود ؟ آیا مسلمانان رعایای انگلیس از این واقعات از دولت متبوعه خریدشان خوشنود خواهند بود ؟ آیا ایرانیان

در تاریخ ملی خود طویشن را شهید مسلک سقیم جناب سرادوردگری خواهند نگاشت؛ آیا تصورات ایرانیان حال و آینده در حق دولت انگلیس چه خواهد بود :

ما تصدیق داریم که ملت انگلیس مرتکب این وحشت کاریها نشده و راضی هم باعمال روس بوده است ولی هرگز انکار ننوایم کرد که تمام این پیش آمده و مظالم وحشتکارانه بواسطه معاهده مشهوره انگلیس با روس و مسلک مرعوب سرادوردگری پیش آمده . و اگر سرادوردگری از یکطرف روی رضا باخراج مسز شوسر نمی داد و از طرف دیگر اربابان را در تسلیم خواهشات روس نصیحت نمیکرد و وحده همراهی و اخراج روس را نمی نمود هرگز کار باجنا منتهی نمی گردید و مان سهوت دولت روس مرتکب اینهمه جنایتی که شک اساسیت و تمدن است نمی شد و دولت انگلیس را بشرکت خویش در معاملات ایران باین پایه در ظلمیان ننگین نمی ساخت و خطرات عظیمه آینده را برای هندوستان و دولت انگلیس فراهم نمیکرد . بی این است آوات سهو سیاسی یک وزارت خارجه حق این است که باید تصدیق نمود عقیده یکی از سیاستپون بزرگ را که فقط تمدن اروپا محدود است در دائره منافع شخص یا نوعی خودشان و نه عالمی بر باد گردد

ترجمه از دلی کراییکل

(مرآة علامه شیر مستشرق معروف)

(بروفیسر پروت)

امروز تمام جراید در نتیجه اخبارات شمال غربی . . . پسند بخت نموده آراء خویش را ظاهر می نمایند و هر يك مصابق خیالات بلتبی خود نتیجه گرفتار بخت میکنند . ولی همه اتفاق دارند بر اینکه کامیابی حزب اتحادیون نه بواسطه جوشش آنها بوده بلکه بواسطه بی توجهی حزب احرار دادن رایی بوده است چنانچه ۱۲۰۰ نفر از دادن رایی انکار نموده اند . و این علیحدگی را بعضی بواسطه قانون ضمانت (بیه) و شرف عدم رضایت بانون پارلمانی آیر لند و برخی بجهت قانون دخالت در کابینای وپلس می بندارند . ولی ندیدم که هیچیک این نکته را ظاهر کنند که بواسطه بی اعتباری که ملت بمسلک خارجه حکومت کنونی حاصل نموده این نتیجه پیش آمده است . کلام این است که برای ابقان در این ننگ زنده زیاد موجود است آزادی قوه است محرك جوش و هیجان ملی که فقط بنام واشتبار نیست بلکه مجموعه خیالات است

که مخالفین همیور بنازك خیالی مینمایند - آزادی تولید میشود از يك خیال عمیق که در انصاف و راستی و توجه به ترقی اخلاق و همدردی با ضعیف و نگاه حقارت بظلمه و ابقان براین که يك قوم چنانچه يك فرد از راستی انحراف نتواند ورزید ، ولو اینکه احاطه شده باشد بدروغ و یا توهین بیاساسات غیر ضروری انحراف نخواهد ورزید

(مسلک خارجه حزب احرار)

من همت کرده میگویم تاریخ انگلستان نشان میدهد مسلک خارجه حزب احرار را که تا این درجه بر خلاف آزادی - بد اخلاق - حقارت آمیز - خوفناک - چنانچه در حکومت امروزه ملحوظ میگردد رفته باشد

این حکومت را مخالف آزادی ازین رو میگویم که همسرد با اقوامیکه برای آزادی خود شان جان میدهند نمی باشد و خود را مهیا ساخت برای جنگ نمودن در مقام بسیار خراب مانند موقع غلام ساختن مراکوئیان فرانسه و مستعده میشود برای کوشش در جلوگیری دوست تازه خود روس در مظالم او با ایران

بد اخلاق بدین جهت مینام که تا يك اندازه کامیاب گردیده است در سد نمودن اظهار خیالات آزادگان در اخبارات منجاب معاملات خارجه گویا در جاه راستی زهر ریخته برخی را زبانت بند ساخته و بعضی را بگمراهی هدایت کرده است و معاملات خارجه را با اندازه نه در نه نمود که چیز اشخاصیکه ذرائع مخصوصه در معاملات خارجه دارند ممکن نیست حقیقت امور را ملتت شوند

حقارت آمیز ازین روست که تا بود ساخته خوشامی انگلستان را در راست بازی و توقیر و ضرقداری اعمال صحیحه

خوفناک ازین جهت نامیده ام با اینکه مصارف جنگی را می افزاید لارد (مورلی) با تنک مزاجی در جواب اظهارات لارد کرزن منسب راه آهن هند و روس میگوید که ما انکار نمیتوانیم نمود که مبدا خرابی دیگر پیش آید .

نتیجه مجموعه این مسلک این شده که ایرانیان میگویند که ما را خسرالدنیا و الاخره کرده اند و از وقتی که این حکومت انگلستان بروی کار آمده اقتدارات ما در آسیا بحالت نزع بوده بطریق قهراً سیر میکنند و آن سیر غلط همانا رجحان انگلستان بطرف ظلم و استبداد وحشیانه است

(انقلابات ایران)

بیان من در باره ایران است که امروزه روز نامه طمس (لندن که بد بختانه غالباً آئینه خیالات وزارت خارجه ماست) در مقاله افتتاحیه خود عنوان نفرت آمیزی را اشاعه داده . الآن دو چیز در چلو من موجود است یکی کتاب سبید جدید درباره ایران و يك (دوچمن) (دوازده) عکسهای هولناك است که بد بختانه دیدن آنها نصیب من آمد . فی الواقع خوب بود عکس های مذکوره را اگر خیلی وحشتناك نبودی تمام افراد انگلستان ملاحظه میکردندی . این عکسها ظاهر میدارد طریقه حکومت روس و نمایندگان او را که روز نامه طمس با اسم دوستی با ما یاد شان مینماید و نیز این عکسها ظاهر میدارد تمدن اروپا صلیب را در قرن بیستم و می نمایاند که روسیان جشن نوروز شان را در شهر بد قسمت تبریز چگونه گرفته اند و ظاهر میکند وضع حکومت روس را بر شکل داری که آویخته است در آن اجساد شجمان روشن دماغ قاندين ملی تبریز . نقشه دیگر مسلك او را که هیچگونه ساختگی نمی توان تصور کرد این است که مدارس و جراید و مطابع را مسدود و یادگار های قدیم و خانه های شخصی را بر باد و اصول زشت حکومت قدیم را بروی کار آورده است

از این عکسها ظاهر میشود وضع حکومت روس در تبریز آنچنانیکه در قفقاز و بالتیک و سایر مقامات نموده بود ، و دیگری که خیلی هولناك تر است می نمایاند حرکات شجاع الدوله را که یکی از مستبدین بر جوش و خرقداوران شاه مخلوع است که در عقب قشون روس وارد شد بر آن شهر که مدت ها کوشش مینمود برای ورود در آن ، و روسیان چنین شخصی را بحکومت تبریز تقویت دادند . صمدخان با اشارات و منظوری و تعمیل او امر روس چنان اقداماتی در تبریز کرد که بمشکل خود روسیان می توانستند انجام دهند . یعنی شکم دریدن ، و اجساد را پاره پاره نمودن و واژگونه بیا آویختن و انسان را مانند گوسند شقه کردن و در بازار مانند حیوان بقتاره زدن است . تمام این اعمال ولو قسمی که باید هولناك باشد هست ولی کسانیکه تاریخ روس را خوانده چنین اعمال را از او منتظر بودند ولی چیزی که قلب ما را متزعزع تواند ساخت این است که قونسل انگلیس (مستر شیلی) در تبریز تأیید می کند حکومت صمد خان را و ظاهر میدارد که او بد حاکی نتواند بود و تلگرافاً بوزیر مختار انگلیس مقیم طهران می نمایاند که خیلی لازم

است صمد خان را دولت ایران فرما قمرای آذربایجانیش قرار دهد که هر دل عزیز و اقدار هم بر بادیه نشینان دارد

بهر این بود که این عکسهای که نزد من موجود است با کتاب سفید توام اشاعه میگردد . چنه خوانندگان ملتنت میشدند آنچه که از حقیقت امور مستور شده و مطاع میگرددند که چگونه صمد خان حاصل نموده است سفارش قونسل ما را که او حاکم خوب و مردل عزیز است ... من زیاده بر این نمیخواهم این بحث را بدرازا کشانم . لیکن ملفوف این خط میدارم چند عکس را که در متن این مقاله اشاره بدان نموده نا شا را ایشن حاصل آید که من هیچ سخنی در مراسم خود نموده ام . اگر چه من خود را یکی از حزب آزادی ایران می شناسم ولی به آن معنی که سابق فقط (لبرال) استعمال میشد . ولو این که مرا یقین حاصل نیست که يك وزارت خارجه اتحادیون واژگون کند یا بتواند منحرف سازد این مسلك خارجه افسوسناك سرادوردگری و نمایندگان او را . ولی مازم آنچه بقوه من باشد خواهم نمود ، چه اوضاعی خراب تر از این نتواند بود

من چگونه رای خود را در موقع انتخابات خواهم داد ضرور به بیان نیست . و یقین دارم که بسیاری از حزب لبرال با من متفق و هم خیالند و نفرت عمیق ظاهر میدارند بمسلك وزارت خارجه . انتخابات منحصراً یقیناً در آینده اوقات آن با انتخابات دیگر هم سرایت خواهد بود

حکومت اقتیاسات

روزنامه بوردا آف تریب جرنل مورخه ۲۳ اگست مینویسد امام مسقط که در خلیج فارس میباشد حکم نامه جدیدی در خصوص اسلحه اشاعه داده مبنی بر اینکه برای اسلحه های که وارد میشود ابزار مخصوص معین خواهد کرد پس از همین ابزار هر قدر اسلحه که وارد شود یا موجود باشد در ابزار مذکور بامعنی بکثیر منتظم مخصوص گذاشته آید فقط به خریدارانی که اجازه حاصل نموده فروش تواند شد . به بجا ، و مالکان جهاز و به بجا که در خلیج فارس تجارت اسلحه مشغولند آگاهی داده شده که هر قدر قورخانه و اسلحه که وارد شود یا موجود باشد باید به منتظم ابزار مذکور بیاورد . بنا بر این قانوناً کیشان و ناخدای جهاز همین که وارد شوند نزد منتظم مذکور رفه

فهرست اسلحه که دارند به او بپسارند تمام اسلحه و قورخانه که وارد قلمرو مسقط شود باید نام کلوخانه و وضع تفکک و فرستادن آن ذکر باشد ورنه آت قورخانه و اسلحه قابل التباط خواهد بود

روزنامه طمس مورخه ۲۶ اگست مینویسد که جماعتی تشکیل مجلس جدید را تمنا می نمایند

شاهزاده فرمانفرما والی ایالت غرب دو سه روز است از (سخنه) روانه و جماعتی از قشون که تحت امر وی بودند تشکیل مجلس را از سر نو خواسته و بدین جهت اصاعت خود شات را مندر گردید. به کرمانشاه عودت نموده قبضه خود را بر شهر مسلم داشته اند. چنین گشته میشود که سالارالدوله در تشکیل مجلس و تأیید مشروطیت مصمم گردیده و سعی است که جماعت خویش را زیاد نماید. هنوز معلوم نیست که سالارالدوله کجا قیام دارد. مخبرالسلطنه فرمانفرمای جدید فارس با قوچ تحت امر افسران سویدی از طهران بصرف شیراز رهسپار آمد

مارشک پست منیاب سرحد بندی ایران می نویسد، که مسئله سرحدی ایران و عثمانی تا اندازه پیشرفت نموده است. اعضای کمیسیون ایران نوطه دولتین انگلیس و روس را در خصوص عهد نامه ارضروم که مسئله سرحد بندی محمره را هم حاوی است متمسک گردیده اند

روزنامه ویسزن دلی بریس مورخه ۲۴ اگست می نویسد که وزیر خارجه ایران در خصوص امتیاز راه آهن جلنا تا تبریز مشروحه جوابیه بوزیر مختار روس نگاشته. وکالت روتر معلوم نموده است که از آن خط استنباط رعایت روس در خصوص امتیاز مذکور می شود ولی این امر صاف بیان نشده که وزارت ایران در غیاب مجلس و نائب السلطنه می تواند چنین امتیازی را بدهد یا نه

فیلدانتل نیوز بعد از بیات فوق می نکارد که این رعایت در حق روس موافقی که در جلو دولت انگلیس منیاب راه آهن محمره تا خرم آباد بر حسب وعده ناصرالدین شاه بوده مرتفع داشته است وقایع نگار مارشک پست لندن از طهران مینویسد که سردار اسعد سرهناً طهران را رهسپار و بطرف

بختیاری رهسپار خواهد آمد و تا کنون سبب مسافرت مشارالیه مکشوف نشده ازین رو این مسئله در طهران محل گفتگو شده است

بال مال گزت مینویسد، میومورنارد بلژیکی خزانه دار کل ایران رابورن اشاعه داده که فقط دخل کمرکات ایران میتواند ضمانت پنج ملیون قرصه را بنماید و میگوید که پس از ادای قروض جزئیه و سپردن خسارات و تاوان های دماوی سنرا نصف این مبلغ از روی حتم بمصرف اصلاحات ضروریه مملکت تواند رسید.

اخبار مذکور مینویسد که ممکن است این تخمینه درست باشد چه از سال ۱۹۰۲ که تعرفه جدید مرتب شده دخل کمرکات ایران زیاد گردیده ولی چیزی که محل توجه میباشد این است که آیا بقیه وجوه استقراضی از روی دیانت و درستی بمصرف اصلاحات ملکی ایران تواند رسید یا نه؛ هرگاه تصدیق نمایم نکارشات مسر شوستر را و تسلیم کنیم آن درجه بی امانتی و بیدبایستی رجال ایران را یقین خواهیم نمود که وجوه استقراضی بمصرف اصلاحات نتواند رسید (کما اینکه تا امروز هیچ وجه استقراضی صرف اصلاحات ملکی نشده چه در دوره استبداد و چه در مشروطیت)

فنتشل طمس لندن مینویسد، بنا بردعای ترکی دو سرحد بندی با ایران مشکلات پیش آمده است از سرحد بندی محمره که اشاعه یافته ظاهر میشود که اعضای کمیسیون سرحد بندی ایران نظر بمذاذیر عثمانی صرف نظر نموده که نوطه دولتین روس و انگلیس جزء معاهده ارض روم سنه ۱۸۴۷ شناخته آید. معاذیر عثمانی در رد نوطه مزبوره دو امر بوده

اول دولت عثمانی فقط قول داده بود که نوطه مذکوره جزء معاهده تواند قرار یافت اگر امروز کمیسیون سرحد بندی ایران خود را به آن قول پای بند سازند ممکن است معاهده ارضروم کاملاً متزعزع شود

ثانیاً در صورت منظوری آن نوطه جزء معاهده گویا ایران قبول نموده است حکمیت دولتین انگلیس و روس را در کایه مناملات سرحدی که موضوع بحث عثمانی و ایران است و تصفیه که بر طبق آن

نوطه بشود بیشتر موافق بحال ایران تواند بود، از این رو امید میرود که بر حوصه اول مناقشات سرحدی از (عمره الی کویان) بسرعت عهدنامه تازه بین ایران و عثمانی بسته آید

روزنامه مارننگ ادور تایزر لندن می نویسد که اصرار سفارتین روس و انگلیس بایران متنباب تصنیفه سرحد بندی با عثمانی سبب عمده آنست که ایران منظور نماید نوطه دولتین را بر معااهده اصرورم و منظور است که دولت انگلیس زیاد کوشش خواهد نمود بر این امر که در سرحد عمره ایران بطریق خواطر خواه سرحد بیاید

بر حسب نگارشات طمس بین دولتین عثمانی و انگلیس مخابرات در خصوص راه آهن بغداد تا خلیج فارس و سایر مسائلیکه راجع به آن است به زودی شروع خواهد گردید

روزنامه ویلز مینویسد، حرکات رقابت کارانه سردار اسعد و سپهدار اعظم به تنها مزید خرابیهای داخله ایران گردید بلکه نزدیک بود رقابت دیرینه انگلیس و روس را هم در ایران تازه نماید.

چون دولتین روس و انگلیس مصمم گردیدند که این دو سردار را نگذارند در طهران مانده اسباب تقار بین آنها فراهم شود، و علت عمده پیش تر قن نصایح ناصر الملک هم در امور ملکی ضدیت این دو سردار شناخته می شد که یکی میدرید و دیگری می دوخت، حالا که این دو سردار از طهران خارج شده و می شوند مظنون است که مرکزیتی برای حکومت ایران برقرار آید

نقل از روزنامه شریفه آفتاب

(منظومه طهران)

(تجدید نظر در قانون اساسی)

هنگامیکه این مسئله بر حسب درخواست هیئت وزراء در مجلس ملی مطرح و از مقامات مقننه میگذشت، تأثیر غریبی در انظار بسیاری نموده وقوع يك چنین امری را شاید برخلاف اساس (کستی توسیوت) و منافی مقتضیات مشروطیت دانسته بی اندازه متالم و منضجر بودند.

لیکن مطبوعات عصری با آن کثرت و وفور مطابق روش معموله آن دوره که به عصیت آمیخته طرفدار مخصوص عقاید خویش، و در طی مسایل

مبحونه به شرح و تفصیل و ذکر جهات و دلایل عقلی نمی برداختند و برخلاف سبک جراید دوره استبداد که بالکلیه ممنوع از دخول در مسایل سیاسی و مندرجات آت منحصر به تعلقات رجا یا مسایل خارج از دایره احتیاجات ملت بود جراید دوره اور مشروطیت در مقابل این وضع افراط کراهه يك روش فریض آمیزی اختیار و اتخاذ نموده کلا و طراً خواه شخصی و خواه فرقه به طرز و رویه غریبی در هر يك از مسایل معظه سیاسی که سالیان دراز مطرح افکار حکما و دانشمندان عالم بوده کتابها و رسایل در آت تالیف و تحریر شده است دخول و يك رای قطعی و مسلم برای خویش اختیار نموده بر مخالفین خویش تاخت آورده و حملات سخت می نمودند، و این وضع که لازم و منزوم دوره انقلاب بود جراید را از مجرای طبیعی و خاصیت اصلی خود که منور افکار و محرك احساسات ملی بودن است خارج نموده الت میارزه و مدافعه ساخته و باین واسطه با آهمه کثرت جراید و مطبوعات عموم مسایل مملکتی در انظار بطور لغز و مدعی باقی مانده نه از حقایق مشروطیت کسی را خبر و نه از اساس تشکیلات مملکتی احدی را چیزی در نظر آمده، این است که پس از چندین سال سه مقامات مشروطیت باز افکار عمومی از لوازم اجتهادیه و احتیاجیه خویش دور و مهجور هستند، در مسئله تجدید نظر در قانون اساسی نیز عطفاً بمسابق از نقطه نظر عقلی بحث نگردیده فقط همان حس یا قبیح آت قناعت نموده گذاشته و گذاشند

بنا علی هذا جریده آفتاب پس از آنکه با حسن بجامه و طرز ادب نمونه از خدمتگذاری خویش هر دور و نزدیک نشان داده و يك دوره نظارت را با يك طور نزاکت آمیز به پایان رسانیده اینک که يك سکونت و آرامی شایان در انظار عمومی موبدا و بار سوم انتخابات مجلس ملی شروع میشود و البته تجدید نظر در قانون اساسی در ضمن این دوره باید بعمل بیاید يك چنین مسئله معظم اساس تشکیلات مملکتی و سعادت آتیه ملت را در بر خواهد داشت از نظر باریک

بین خویش دور نمود و بقدر کنجایش در شرح و تفصیل او مجاهدت خواهد نمود و ما خود با يك نظر منصفانه اقرار مینمائیم در موقعی که این مطالب در مجلس ملی مطرح گردیده بود. قوای ارتجاع از عرسو سر بر داشته و در اشرف و اسکناف مملکت قیام نموده پاره از عناصر فاسده بهیسی درخواست های بی جا متمسک گردیده آرزو های خام در يك خاطر خویش می بخندند و باین واسطه حی آت داشت که شرح این مسئله سو-ظنی برای بعضی فرق غالبه در مذهب طاعت نویسد کرده تصور نماید شاید تعریف آنهم بر خلاف حقوق عامه و موجب تضییق حدود و منافع ملی گردد، اما حالا که اساس این سوء ظن بر داشته شده باید خوب تصور نمود که اگر همین است تغییر قانون اساسی بر منبیه مرفوع ملی باشد شاید هر برآوردن حقوق عامه بفرزاد البته مرتدبیری قابل اعتراض و نکت اوجین است

و مرکز تالیستی تصور نمود که جدید نظر در قانون اساسی برخلاف مشروطیت و معاش اصول (گفتی نوییون) است

چرا؟ شاید بعضی ظاهر بیسار حیرت بکنند قانون اساسی که بواسطه نقض پاره از مواد آن ملت بر علیه ملت وقت پیام و اساس سعادت حضوره را قائم نموده چگونه بان سهوت و آسانی میتوان بواسطه جدید نظر در آن ارکان مشروطیت را متزلزل و فوایم حکومت ملی را مضطرب ساخت؟ اما نفات می نمایند که اگر دولت جاریه می خواست پاره از مواد قانون اساسی را تغییر بدهد نه از آن راه بود که مقصود وی اصلاح و تربیم بواسطه آن باشد وگرنه باستی بخصوصه اقدام ننموده و از طریق طبیعی آن مجرای افکار عمومی گردیده تا نقض بشمار نیامده بلکه اصلاح و تربیم محسوب بشود و اگر باین مرز رفتار می نمود هرگز تفرات عمومی را بخود جلب و بر ضد وی قیام نمی نمودند بلکه از آت راه بود که اساس مشروطیت و روح (کنس نوییون) طرف بود

واقعاً اگر يك روزی ملت بخواند مطابق

نشو و ارتقاء در اساس سعادت و نیک منجی خود تجدید نظری نموده و به اصلاح امور خویش پرداخته بعضی مواد قانون اساسی خود را که متناسب باوضاع زندگی و ضرز همیشه و حالت اجتهادیه خویش نمی بیند. نسخ و بجای آن مواد دیگری که متکفل امور مزبوره است بگذارد البته نقض بشمار نیامده اصلاح و تربیم محسوب میشود زیرا که وضع اصلی همینکه از قانون اولی خویش صرف نظر نمود دیگر هیچ وجه قانونیت ندارد تا مخالفت آن نقض محسوب بشود

کدام منصف! کدام شخص دانا! کدام انسان بصیر! میتواند برخلاف مقتضیات ناموس نشو و ارتقا که همواره عناصر کونرا از مراتب دانیه بهوالم نالیه سوق میدهد، يك ملت تازه بیدار را اجبار نماید بنظریات اولیه خویش که ناشی از عدم تجربه و بی امتحان است جود نموده و دیگر ایدا درصدد اصلاح نواقص خویش برآید

بلکه اساس مشروطیت و اصول حکومت ملی حکمتر است که هر ماتی حق نظر در ارکان سعادت و ملی یا قانون اساسی خویش داشته و اجبار بر يك ضرز معین خود يك نحو استبداد و حرکت کیف ما بشا محسوب میشود

در میان يك عالم مسافر که همه روزه مرحله پیمای عالم ترقی و در میاب دول و ملل جهان که رهسار مراتب تعالی و همه روزه تغییر وضع داده بساط های کهنه و پوسیده را بر چیده آثار مدرسه را لغو و ترتیبات جدیدی پیش می گیرند، چگونه يك دولت یا يك ملت میتواند مداومت بر يك وضع خلاف نپذیرد نموده همواره به روش معین و اسلوب مشخص رفتار و سلوک بنمایند

گذشته از آنکه فی الحقیقه هنوز مسائل مشروطیت ایران کاملاً حل نشده، زیرا که آن ترتیبات فوری که در بدو هر انقلاب پیش میاید متناسب با همان دوره و برای همان زمان پشهای خوب است. ولی من بعد که آرامی و سکونت در مملکت قائم میشود باید باکمال موشکافی در تحت نظر دقت دانشمندان مملکت واقع شده قوانین موضوعه را اصلاح و مواد آت را نقض یا ابرام به نمایند

در آغاز جمهوریت فرانسه در ظرف بیست و چهار ساعت قریب ده هزار مواد قانونی با یک برتاب بیشتر فوراً وضع و با یک عجله و شداب فوق تصور برای انتظام امور موقتاً مجری گردید آیا فرانسه مگر بر همان قوانین مداومت نمود و این فرانسه قرن بیستم همان فرانسه قرن نوزدهم است ؟ و این اصول و مواد قوانین اساسی و مدنی و قواعد لشکری و کشوری آن عیناً همان است که در آغاز جمهوریت وضع شده است ؟ حاشا ! بلکه همواره تغییرات و تبدیلات یافته و باز هم سه ساله در عرصه تغییر و تبدل است. دول دیگر مشروطه و جمهوری هم همگی از این قرار است

البتة نظریات ایرات دقیق تر از تمام ممالک مشروطه و جمهوری عالم نیست و نباید به نظریات اولیه خویش قناعت و جمود نماید و برای ترویج تدریجی خویش باید راههای تازه پیدا و استواری جدید اختیار بکند

بنا عالم منتظرید که مشاهده بنمایند ایرانیان در موقع سکونت و آرامی و پس از موفقیت به رفع انقلابات و شوایل چگونه مسائل در هم پیچیده مشروطیت خود را از هم باز نموده و گره از کار خویش گشوده و اساس سعادت آینه خود را بین و منبسط می نمایند

حبل القوی

همچو ما آفتاب که الحق مصارف ایرات را از آفتاب تابان عنایت فوقی را با منتهای نباتات و رزانت تربیب دده و خیلی صحیح نگاشته است ما صدیق دریم که قانون اساسی ما کامل نیست و مقرراتی است که برای جیدن خون مسای و حشت دراه محمد علی شاه مخلوع تربیب یافته ولی چه توان کرد که تا کنون ملت ایرایه با یک حادثه تصادف نکرده و در این دوره مشروطیت هم همگس که بر وی شمار آمده و اقدایی نموده که محی اطمینان ملت گردد . و اگر گفته شود یکدفعه اطمینان از ایرایات مرتفع شده سخی بگزارف نموده ایم خصوصاً در این ایام انفصال مجلس پیش آمدهای عمدی یا سهوی یا اجباری پیش از پیش ایرایان را غیر مطمئن ساخته است - با اینکه قانون اساسی

آنگونه سخت بود هم دیدند که با چه بدیرات غیر قانونی با اینکه همه میدانستند که مجلس در آنوقت غیر قانونی بوده امضای اسمی از مجلس حاصل و قبول التأموم روس را نموده و در حقیقت چندین وکن استقلال دولت بر باد داده شد علاوه بر این بعد از انفصال مجلس استقراری که شده و قبول شرایط آن که منجمه قبول منصفه های نفوذ دولتی و تشکیل بریگاد فزاق در تبریز و سپردن اختیار قشون ایران به خارتین روس و انگلیس و غیره بوده و حال آنکه بعضی قانون اساسی بدون امضای مجلس هیچیک از آنها قانونیت حاصل نمی نمود چطور وزیرای مشروحه است که مشرداً و مجتمه استول ملت اند قبول فرمودند از این وضع اطمینانی برای ملت باقی نماند ماند و مجدداً هم همان رجال بروی کار می آیند یعنی حکایت تریه است که یک روز یکی جرعی شود روز دیگر مسلم و بد بختان همین شخص بزید و شمره این سعد هم میشود

اما رفع انقلاب و سکون مملکت - آرا

هم هنوز نمی توان قائل شد و بقصد بسیاری از داماین اساس انقلابات کنونی بهر از اول نشده . حتی صورت سکونی که در اواخر استبداد و اوایل مشروطیت بود امروزه دیده می شود و هیچ اقدام صحیحی درین مدت پیش نیامده که دلالت بر سکونت و آرامی نماید .

منباب نشو و ارتقاء ملت . از شرح آت شرمنده ایم و همین قدر میگوئیم که باتفاق دانایان بزرگترین آثار ارتقاء یک ملت ابراز حسیات دفاعیه آن ملت است که در حقیقت ملت ایرایه را وداع گفته . و برای اثبات کافی است دفاع تبریزیان در مقابل محمد علی و تسلیم شان در مقابل صمد خان شجاع الدوله . علاوه بر اینها حیات مذهبی که بعد از حسن دفاعی یک ملت مایه حیات استقلالیه یک مملکت شناخته می شود از برکت رجال مرکز کاملاً ایرانیان را ترک گفته چنانچه وقعه بدارزدن ثقة الاسلام در روز عاشورا و مبارزتان مرقد مطهر رضوی این نکته را بر طالبان نمود . وقیده ما نه ملت نشو و نما نموده و نه رجال دولت ترقی کرده اند . لذا هرگاه تا دوره چهارم مجلس تغییر در قانون اساسی داده نشود یقیناً بصرفه ملت مقرون تر خواهد بود و اگر هم مجبور به تغییر برخی

مواد باشیم محض اطمینان ملت بهتر آنست که همان مواد را که نصص تصور می شود اعلان داده تا ملت از روی اطمینان تغییر همان مواد را بولکلای جدید (در صورتیکه انتخاب شوند) اختیار بخشند ورنه با این بدگمانی ملت و دسایس خارجی که در مرکز کار میکند چگونه ملت میتواند گنفت که خوف ندارد که مانند نا بدین وکلای شماره در اطاق حبس نموده مجبور باطل مشروطیت نمایند علاوه بر این چون اطاعت وزرای ما بامر عیونیت آنان از خارجه معلوم و مخالفت روسیه با مشروطیت ایران لازم به بیان نیست و گفتگوی استقرض بزرگ و امتیاز راه آهن گرم و فقط چیزیکه جلو مسانکاف را از حصول آن گرفته عدم اختیار وزارت نمیتواند ملت ستم دیده بدگمانی نموده تصور نکند که تمام این مباحث برای ربودن خلاف ملا نصرالدین است یعنی برای روزی چند مجلسی منقذ نموده در تبدیل مواد قانون اساسی این اختیارات را از مجلس سلب کرده بدوات بخشند پس بهتر آنست این دوره هم قانون اساسی همان حال اولیه بقی مانده و در صورتی هم که مجبور به تغییر آن باشیم (و حالانکه هیچگونه مجبوریتی نداریم) همان موادی که لازم التعمیر میباشند اعلان و اشاعه دهند و دادن امتیاز و خصوص فرضه و امتثال آن هیچوقت نباید بدون تصویب وکلای ملت با اقتدار و اختیار دولتیان گذارده آید

(ایضا)

تلاکرافات داخله

بزد - مقام منبع وزارت جلاله داخله دامت شوکته، اگرچه در انجام وظائف بقدر یکی در قوه یک بشری است کوشیده ام اینک چون بعضی از اقدامات نتیجه بخشیده بعرض حضور میرسانم، اولاً دزدانانیکه در نزدیکی شهر آمده و بند نزدیک اردکان شترهای انارکی و اموال تجار را برده اند همه جا استعداد برای جلوگیری فرستاده و خودم مهربای حرکت بودم ولی بحمدالله در حدود مهر از آقا احمد که رئیس مستحفظین آن حدود است باعده سوار و استعداد آنها را جلو گرفته و مردانه چنگیده تا دو نفر مقتول یکتنبر اسیر و بقیه دزدها فرار گردیده تمام مال را با شترهای انارکی پس گرفته امروز باشکوه تمام وارد

شهر شدند، بحمدالله خاطر نجار و صاحبان مال خورسند و ازین خور سندی بنده نیز مسرور و سپاس گذار فضل الهی هستم، فردا آن یکتنبر را پس از استنطاق کامل بردار فنا خواهم فرستاد رابرت دیگر، خود بنده با یکمده استعداد کافی به حدود پشت کوه رفتم که بعضی اشرار کاریزی را که ما فراتر همدست بوده اند و یک قسمت از شال وقالی مسروقه نزد آنها بود قلع و قمع نمایم بعضی ورد مخاک پشت کوه خود آنها چند جز و قالبچه و شال را فرستادند و متفقاً انگیزختند که در آتیه ذره در خدمتگذاری تصور نه نمایم، اگر بطوریکه باید اطمینان از آنها حاصل نشده خنهای آنها را خواهم سوخت، چند نفر از رؤساء آنها خود الحال سر در کف نزد بنده آمده اند.

رابورت دیگر، چنانچه خانر مبارک مسبق است مقداری از شال وقالی مسروقه که بیمه کمپانی انگلیس است و دزدها در راه کرمان سرقت کرده بودند در اشراف مهروس بوده اقدامات و تهدیدات اخیره نتیجه بخشیده و از قرار راپورت واصله مقصدار عمده از اموال را پس گرفته و بعضی از سارقین را دستگیر کرده اند، انتظام الملک هنوز در حدود نائین است استعداد بصری نائین اعزام کرده ام ولی لازم است که فوراً بحکومت اردستان امر شود دور او را احاطه نمایند و یکسره گارش را بسازند، امانت بانک سلامتی وارد نائین شده ولی عجالاً دستور دادم در نائین محفوظ نگاهدارند تا استعداد کافی برای حمل آن برسد عجالاً چیزیکه لازم است تشویق آقا احمد است که در وقته گذشته جلوگیری از چهار صد صرب کرد و اینک این دزدانرا قلع و قمع نموده، این احمد همان کسی است که حاج ملک کاریزی شب و روز برای اقدام او در حضور مبارک جد و جهد میکند البته اگر تشویق فرمایند این شخص لایق پیش از این خدمت است، رابرت دیگر، مجدداً امروز خبر رسید که ۷۰ نفر دزد عرب وارد خاک مهریز شده و در دور قهرج و فداک که یکی از قراء مهریز است مشغول تاخت و تاز خواهند شد فوراً آنچه ممکن بود از اشراف استعداد فرستادم امیدوارم که نتوانند دست بردی زنند (شهاب الدوله)

مکتوب از طهران

این بنده یکی از اشخاصی هستم که روزی شام تا روزنامه جلال‌التین برسد و از مطالب عالیه آن استفاده حاصل نموده بر مراتب آگاهی خود پیفزایم

این هفته که شماره (۲) را آوردند حسب الساده مرور می نمودم تا بصلحه (۱۹) رسیدم که مکتوب واصل از طهران راجع به گشتن بیست هزار خروار گندم در وزارت داخله و قیمة آن از قرار يك من شش هزار و مداخله آقای قوام السلطنه و بنسای عمارتی که شالوده اش روی دو کرو و ریخته شده را درج فرموده بودید

انصاف ندانستم که روزنامه مقدس که راهمای يك ملت اسلامی است اینگونه مکتوبات که از پیرایه صدق و راستی تاری و ریی و سر تا یا مشوب باغراض شخصی است درج شود

مراتب را بدون اینکه خدای نکرده بکذب یا اغراض شخصی ملوث سازم برض میرسانم

سه مانده بواسطه قشون کشی های مملکت ایران کن که حاضر محرم مستحضر است محصول اطراف طهران بایمال و مضمحل گردید حتی عدم مالیات جنسی دوات هم لا وصول ماند پس از رفع محصول و گذشتن تابستان جنس روی بگرانی نهاد زیرا که جنس نایب و روزی سیصد خروار خرج ناخواخته طهران بود، همدان و کردستان و عراق و کرمانشاهانهم که سابقا گندمشان بطهران حمل میشد خودشان دوجار صدقات غارت و انصافات وارده بودند، مخصوصا قوام السلطنه در وزارت داخله برای اصلاح امر آن کمیونی مرکب از چند نفر از نمایندگان محرم مجلس شورای ملی و معاون وزارت مالیه و حکومت طهران تشکیل داده که قراری در این باب بدهند - پس از چندین جلسه و مذاکرات زیاد کمیون قرار داد که روزی یکصد پنجاه خروار خزانه دار از آبار دولتی بمقتضی خاقان (قوام الدوله عالییه) که حکومت طهران رجوع بایشان بود بدهند که امر ناآرا مرتب نماید

پس از چند روز پنجاه خروار جو هم قرار شد بدهند ولی چون در آبار جنس نبود بیشتر از

دو ماه آنهم خیلی بی ترتیب نتوانستند گندم را برسانند و بکلی آبار از گندم خالی شد حکومت هم از کار آن استعفا داده بکارهای دیگر حکومتی اکتفا نمود رفقه و رفقه و کار باز در بانگشاش گذاشت

در اواسط برج حوت آن بطوری کم باب بود که مردم از صبح تاغروب در دکانان وانی منتظر میشدند و زحمت بکداه نایب تحصیل میکردند بی اندازه اهالی مضطرب بودند، او ایسای دوات شورش و هیجان فوق العاده که پیشرفت مقاصد اجنب را در برداشت انتظار میبردند

نه وزارت داخله و نه خزانه داری کمیچیک با داشتن وجه اصلاح امر باز را برده نه گرفتند هیئت وزراء قوام السلطنه را ملزم کردند که شخصا امر آن را مرتب نماید اینطور که پنجاه هزار تومان بول برای خرید و حمل گندم از خارج مان بدهند مایه ۲۰۰ تومان هم برای اجزائی که مشغول انجام این خدمت می شدند شهریه قرار دادند

از پنجاه هزار تومان بیست چهار هزار تومان بیهمه جهت ازاداره خزانه بحواله قوام السلطنه از بابت قیمت گندم برداشته شد که از قزوین و خبه و نقاط دیگر گندم تهیه نمودند و به هیچ وجه شخصا در بول گندم مداخله نکردند بدون اینکه ضروری متوجه دولت بشود یا برقیمة نایب که يك من دو ریال بود افزودند در موقع سختی و کمیابی گندم نان را اداره کردند، جلوگیری از کم فروشی خبازها نمودند، نوبی که تمام اهالی طهران اعتراف دارند که از حالیه که سرخرم و هاگام فراوانی گندم واصل اطراف طهران هم خیلی خوب آمده است بدرجات فراوان و بهتر بود

صورت حساب گندم در روزنامه آفتاب که روزنامه رسمی دوات است بعد از انفصال قوام السلطنه از وزارت داخله درج و منتشر شده و جهی که از بابت قیمت گندم در بانک استقراری بود خزانه داری در یافت نمود. حتی دو ماهی دو بیست تومان مخارجی هم که معین شده بود اکنون کرده ماهی بود تومان بیشتر بخرج دولت منظور نکردند، کان می کنیم مندرجات ووزنامه آفتاب کفایت از نرید این مکتوب بنیاید که محتاج به نرید مجددی

نباشد دیگر از بیست و چهار هزار تومان که حسابش روشن و مبرهن است چگونه دو کرور آت خرج عمارت شده با انباری که شاید چندین سال است که پنج هزار خروار گندم در خود دیده بیست هزار خروار آن را چه ضرر وزارت داخله از میان برده است باید به انصاف کاتب بر فرض صدیق شیور مراجعه نمود

عمارت هم بهمه جهت هفت هزار ذرع زمین است که از قیمت خانههای شهری خود که سابقاً فروخته بودند اندرون و بیرونی که هر يك بیش از چند اصاق مکتوبی ندارد بنا کرده اند

بخدا قسم هیچ مقصودی جز حفظ مقام و رفع توهمین از روزنامه مقدس جبل المتین از این ذریعه نگاری و دراز نفسی ندارم. زیرا چندین هزار نفر ساکنین طهران از خارجیه و داخله که همه نامه مقدس را می خوانند و هم عمارت را می بینند بر عرض نویسنده مکتوب سابق گواهی میدهند و این بنده نیز با اعتقاد نامی که بان تجربه مقدس دارم در تمام بیغرضی تکلیف خود را در این دانستم که این خیر مجمول را تکذیب کرده باشم

جبل المتین

مراسله فوق از شخصیکه معروف اداره بوده رسیده چون معلوم است از کجا آمده است درج نمودیم آیا این دفاع از جناب قوام السلطنه صحیح است یا سقیم ما با مکتوب دیگری که همین هفته از شمران رسیده و ذیلاً ننگاشته ایم محبت و سقم آن را و بوجدان خوانندگان حواله میدهیم

(مکتوب شمران)

چیزیکه حسنی و قابل انکار نزد دوست و دشمن نیست همما واقعاتی است که از بند مجلس در وزارت داخله و خارجه قوام السلطنه و وثوق الدوله پیش آمده و میتوان گفت که تاریک ترین ایام سلطنت ایران همان ایام بوده است و قوه تبریز و گیلان و شاهسون واقعه اسلام سوز خراسان جسور داشتن صمدخان و ادعای نکردنش از ایالت آذربایجان و رجوع او بکمره طهران و مجبور ساختن مخبر السلطنه باسئمتا و مجدداً ضعیف سالار الدوله و هیجان غربی ارباب و قوه سیستان و ورود

قتون انگلیس بجنوب و ازدیاد قتون روس بشمال و صدها چیز دیگر در ایام وزارت داخله و خارجه ایندو برادر شده بر فرض هم که گفته آید در جلوگیری ازین بیش آمدها لاملجا بود ولی هیچ محلی نمیتوان ساخت برای اقدامات آن ایام در کشتن حس ملی. و این نکته ایست که سفیر انگلیس مقیم طهران رسماً بوزارت خارجه انگلستان خبر داده و در کتاف سفید نمره ۵ که همین هفته بطهران رسیده موجود است

چنانکه می نویسد (عدم هیجان اهالی طهران و سایر بلدان در شهادت مرحوم نفعه الاسلام همانا سانور تلگرافات بود که نگذاشت بیچ جا مخبره شده و اهالی ایران واقف گردید. همین قسم در وقعه اسلام سوز خراسان و بیمار دمان مرقد مطهر رضوی قسمی تلگرافات را سانور نمودند که هنوز غالب اهالی ارباب از این واقعه که تاریخ ایران و عیسی اهالی آت مملکت را در حفظ شعار مذهبی تا ابد نگین نموده واقف نشده اند - حال آنکه در مذهبهای سهولت میتوانند جلوگیری نموده نگذارند بهانه بدست روس بیفتند و کن الدوله معلوم الحمال را قوام السلطنه بخراسان فرستادند و همین قسم قبل از وقت اجرار را از مشهد خارج نموده در حقیقت میدان را برای هرگونه اقدامات روس صاف ساختند. بامزه تر آنکه نه تنها يك برونت خنك و خالی بدولت روس نکردند بلکه هر گاه کسی از وقعه خراسان از ایشان پرسش مینمود اظهار بخبری میکردند. آخر الامر مجبوراً باصرار بیابان سلطنت فقد يك تلگراف متولی باشی را بطریق گامك بدون دستور العمل به نمایندگان خارجه فرستادند

عجبا این پیش آمدها را حل سیاست و پلتيك یا خیر خواهی ایران و حفظ استقلال و مشروعیت میتوان کرد ؟

وقعه عربستان و مناقشه بختیاری و عرب و فرستادن ایالت فارس که مورث بهانه های بی دربی همایه جنونی گردیده بچه لحاظ بوده است ؟

آیا الله غیبات که در کاطمین جمع و بخیمال حفظ استقلال وطن بودند حکدام اشخاص آنها را مانع از حرکت با ایران شدند ؟ و با کدام تلگرافات امید بخش آنها را متفرق ساختند که بجز در تفرقه ایشان

آب و قه اسلام سوز مشهد مقدس پیش آمد و این اقدامات مبنی بر چه مصلحت بوده ؟
اگر دولت ایران را مشروطه و هر یک از وزراء را بالانفراد وبالاجتماع مسئول پیش آمدهای مملکت قرار دهیم این مسئولیت یا بیشتر بعهده جنابان قوام السلطنه و ونوق الدوله وارد نمی آید؛ هر گاه از جنابان قوام السلطنه و اخوی شان ونوق الدوله پرسش شود که آنها اصرار برای انفصال مجلس از روی چه مصلحت بود؟ نمی دانیم چه جواب خواهند فرمود ؟

آیا بعد از انفصال مجلس این اطاریکه باستقلال ایران وارد آمده زده دارش کیست ؟ آیا هنوز هم میتوان برده بوشی نمود که مجلس فقط يك سدی بود در جلو پیشرفت مقاصد خارجیان و یکقوه الکتریسی در تهییج و بیداری حسی بشارمی آمد؛ آیا چه محتملی میتوان ساخت برای تعلل ایشان که وزیر داخله بوده در ندادن اعلان انتخاب وکلا و افتتاح مجلس ؟ آیا فراموش شده است مواعید را که در موقع انفصال مجلس و گرفتاری رؤسای حزب دموکرات مواقع دیگر برای انتخاب وکلا دادند و ماه ها بر آن گذشت و آوری ظاهر نگردید ؟ مسئول این بی قابویهای سر بجه در مملکت کیست ؟ شاید گفته شود که تسویق انتخابات بواسطه عدم میل روسیان بوده و نخواست بهانه روس را زید کنند - آیا تصور میشود که هیچوقت دولت مستبده روس مائل باشد به مشروطیت و مجلس ایران ؟ دستور العملی که بحکام حتی در جنوب برای جلوگیری از اجتماعات ملی و آزادی نطق و قلم دادند ککشنده حسن ملت شناخته نمی شود ؟ آیا این ابراز بی حسی که در این واقعات فجیعه از ملت ایران شده مزید قوت روس نگردیده است ؟ آیا این بحران ملی که بواسطه سخت گیریهای ایشان در کبیله ایران نمودار آمده زیانتر از لشکر روس و انگلیس باستقلال ایران پیش نیست ؟ آیا هیچ جرأت خارجی را ملاحظه فرموده اند که از ابراز چنین بی حسی و بیذهمی ایرانیان را قابل خلعت آزادی نمیندازند و صراحتاً مینویسند ماتی که مانند ایرانیان چه در سیاست وجه دزمذهب ماده دفاع آنها را و داء گنه

باشد قابل همراهی نیستند ؟ آیا مسؤولیت این الزاماتی که بملت وارد می آید بر کیست ؟

هر گاه سخت گیری های حکام بدستور العمل وزارت داخله که ایشان متقلد بودند نبود بملت در این همه حوادث اسلام سوز استقلال ککتی ساحت می ماند ؛ هر گاه جلوگیری از اشاعه تمکرات و رابطه اهالی بیکدیگر نمی شد ممکن بود که این قسم خاک مرگ بروی ایرانیان پاشیده شود؛ آیا درست اگر دقت شود مسئول طغیان صمدخان و واقعات کنونی تبریز که آذربایجان را نیمه از ایران بجزانموده قوام السلطنه و ونوق الدوله بودند ؟ آیا تبعیده های کنونی شهران برخلاف نیابت سلطنت و بازی های تبریز در نطق سپه داور و کوشش در بازگشتن شان بطهران و نیرنگ ریزها در اخلال بختیاری از پای تخت را مؤسس کیاند ؟

حیل اثبته

تتا مینانیم که جنابان قوام السلطنه و ونوق الدوله اگر رفع الزامات سابق و لاحق را از خود نوانند داد باسم و رسم نه بطریق کتنام فرمایند ، چه عموم خیر خواهان بیفرض داخلی و خارجی ایران از الزاماتی که بایشان داده میشود کاملاً کفیده و رنجیده اند و ما خودمان هم با آن محبتی که به ایشان داشته ایم نزدیک است یکی از آنان شوم . چه دلایل پیش آمد های حسی را باطل نتواند کرد

مکتوب از پورت سعید

از روزی که مسئله مراکش و بلقان و ایران و طرابلس شروع شده و تعدیات صلیبیان بر مسلمانان علائیه بظهور رسیده مسلمانان روی زمین فریاد اتحاد اسلام و معارف اسلامی را بر اوج فلك رسانیده اند - محیا مقصدشان چیست ؟ شك نیست که قصد از تحصیل اتحاد اسلام تحصیل موازه است ما بین مسلمین و صلیبیان که تعدیات خلاف انسانیته از اهل صلیب به اهل توحید ظاهر نشود و راه مظالم دو میان نوع بشر ضییبی مسدود گردد و مسئله کل ضعیف بدمه القوی مطرح دلمای عالمیان شود -

بالجمله میدان ککره ارض مسلخ نوع - بشر نبوده باشد و این بی رحمی و بی انصافی

و بی مروتی تذبذب عباد و تخریب بلاد کشتار
بنی آدم هتک اعراض و نهب اموال و اء-امام
نفوس از میان برداشته شود، زیرا که علت‌العلل
تمام اینها قوه و اتحاد صبیبان و ضعف و اختلاف
محمدیان است لایم- پس اگر محمدیان هم مثل ایشان
اتفاق گله داشتند و همه شان را يك وجود فرض
نموده و افراد مسلمین را اعضاء آن وجود بدانند
به نوعی که اگر ناخن بار صدمه رسید موی سر
از او خبر دار باشد و مکذا بساط مظالم تثلیث
بر توحید بر جیده شود و عالم و من بنی آدم
شمرده آید تا که مصداق

(ادا کن اصلی من تراب فکها)

(بلادی و کل الصالین اقاری)

بظهور آید و کذالك اینقدر اهتمام در نشر معارف
اسلامی جهت ترخیص بنیای این موازنه است
از رفع احتیاجات نوعی از اجانب و ترقی ارکان
ترقیه آیش که زراعت و قلاحت و صنایع
و تجارت باشد که موازنه صادرات و واردات از آنها
حاصل شود و در ضمن اینها حب وطن حب
شرف حب نوع حب استقلال شجاعت قلب کرامه
نفس و دیگر مکارم اخلاق حاصل آید تا امور
موازنه حقیقی بحصول بیوندد. اینست اجال
مقاصد اتحاد اسلام خواهان و خدام نشر معارف
اسلامی، اگرچه عقلاً و نادماً راه این مقصد بسیار
بید و وصول بر او بسیار مشکل است لکن در راه
مقصد وجود خود با حقن هزار بار بهتر است از تقاعد
و بیعزتی شعار خود ساختن -

الهی مسلمانان را حب شرف کرامت فرما، در این چند
سال که این دعوت حق شعار نیرنگندان مسلمین شده
اجانب بدست ظاهر مسلمانان چه نیرنگها و چه حیلها
انگیخته و چه خوارها در این شاهراه سعادت
ریخته‌اند - و عجب تر از همه این ایام جماعتی که
از شرف اسلامی بی خبرند نغمه دیگری بر طنبور
خود افزوده‌اند و زبان اقتضای گشوده بجان طرفداران
اتحاد اسلام و خاندان معارف افتاده‌اند و مقصد
شان اینست که لفظ اتحاد اسلام علانیه بر زبان راندن
دور از فکر سلیم است - زیرا که اهل صلیب از
روزی که این لفظ بر زبان مسلمانان جاری شده بر
اهل توحید تشدید کرده‌اند و در اعدام اسلام

تعمیل میکنند -

خوب است که این لفظ را در خلوت
یکدیگر القا نمود مبادا صلیبان بشنوند و بیشتر تشدید
نمایند و تمام مقصود شان اینست که این لفظ مبارک
باز از زبان مسلمانان بیفتد و از کله ایشان فراموش
شود، باز برگردد مثل روزگار قدم شود که سالی
هزاران هزاران مسلم بعنوان اختلاف مذهب بدست هم‌دیگر
هم دیگر را بکشند و اهل صلیب عید بگیرد

عجاسیاست این جماعت از سیاست الهی مقدم تر
است، اگر این فکر سیاست حق بود خداوند احدیت
هم در قرآن مجید خود در آیات کثیره نص-ربح
به اتحاد و اخوت و اتفاق مسلمین نه می‌فرمود (و خوقا
من فرعون و دلائه) افلا در آیات متشابهات بکنایه
مذکور می‌داشت و راضی نباشد که اجانب این
معنی را فهمیده و در صدد تعجیل در اء-امام
مؤمنین که خلاف رضای الهی در اوست
ای برادران بیروت اگر مسلمانید، آیا ممکن است
که سیصد و بیجاه ملیون نفوس در خلوت اتحاد
نمایند بنوعی که اجانب نفهمند؛ آیا ممکن است که
بدون نشر معارف و تأسیس مکاتب این قدر
نفوس وحشی که معنای حریت و رقیت را فرق
نمی‌گذارد یکمرتبه بمضای شرف التئات نموده و در
صدد حفظ شرف و ناموس دین خود برآیند؛
اجانب از چند چیز ما مسلمانان يك واهمه ضعیفی
داشتند، همه از دست ما در رفت، حیثیت سلطنت
های اسلامی بود که در این سال آراخته دادند
حیثیت جهاد عموم مسلمانان بود که بواسطه
تقاعد روحانین خانه پذیرفت - تعصب دیانت اسلامی
بود که بنوب بسن حرم محرم امام رضا علیه
السلام و دار کشیدن علماء اعلام به تجربه رسید
و آسوده شدند، الآن يك واهمه که دارند این
است که بواسطه اتحاد مسلمین محتمل لظهور
است - الاث در صدد جاره جوئی او هستند که
از خود مسلمانان چند نفر را مامور رفع این توهم
نموده‌اند و آنها هم هر یکی بشکلی و مسلکی داخل
کار شده و میخواهند که این غائله را بهم بزند
و این خر را از سر راه صلیبان بردارند -
عجب اسلام - عجب مسلمانان - عجب غیرت است!
فرداست که چون ازین توهم آسوده شدند خواهند

در این عالم کون و فساد خواهند زیست : کدام تاریخ است که عزت بگویی را ابدی نشان داده یا ذلت يك ملتی را ابدی در صحائف خود نگاشته هیچ ملتی را از خود مایوس نماید — زیرا که در پایش از جان گذشتن است (اذا یأس الانسان

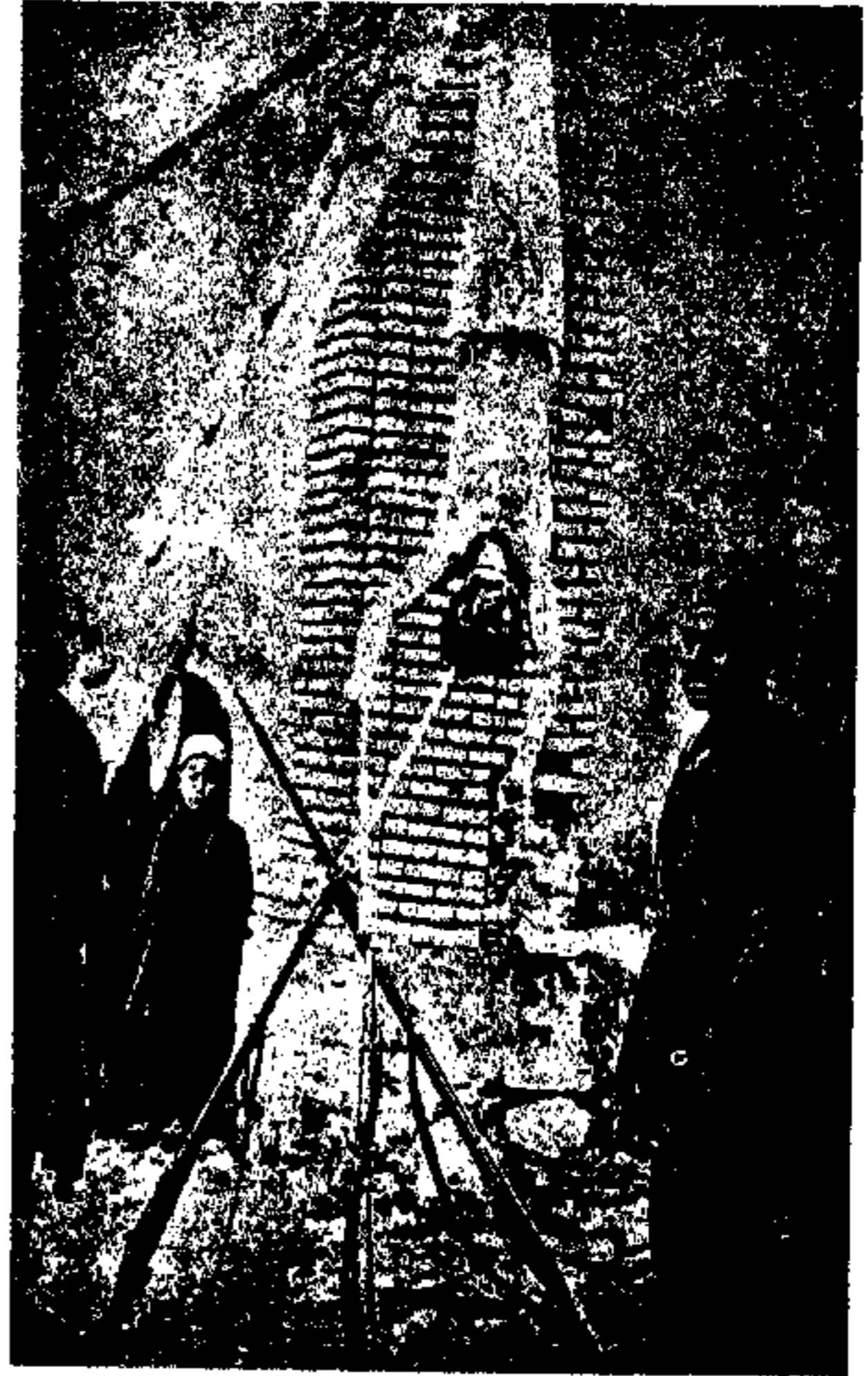
روی شود هر که در او غش باشد) و اقدامات آن وجود مقدس برخلاف اشرار و تفرقه اجتماعات آنها نه فقط حیوة شخص ایشان را بمخاطره نشاند مبداد بلکه زندگی بستگان ایشانرا بر باد رفته مینمود و هر يك ازین اقدامات را که دشمن دوستی اداره

خود افزوده‌اند و زبان افتدع (شوده بجان طرفداران اتحاد اسلام و خاندان معارف افتاده‌اند و مقصدشان اینست که لفظ اتحاد اسلام علانیه بر زبان رانند دور از فکر سلیم است - زیرا که اهل صلیب از روزیکه این لفظ بر زبان مسلمانان جاری شده بر اهل توحید تشدید کرده‌اند و در اعدام اسلام

از خود مسلمانان را دور کرده‌اند و آنها هم هر یکی بشکلی و مسلکی داخل کار شده و میخواهند که این غائله را بهم بزند و این خر را از سر راه صلیبیان بردارند - عجب اسلام - عجب مسلمانان - عجب غیرت است! فرداست که چون ازین توهم آسوده شدند خواهند



تصویر هر غنچه پوست خاک نمک آبی است که در روسیه و سیبری
 آید و در قطعه کرده شمش را بره نموده مثل گوسفند بداره ش زده ا



تصویر از يك مجاهدی است که از گنه اش بدار کشید
 و بر سر او سر نیزه تنگ فرو برده اند

بامضا آن انسان سرور و ستمین میسم - | سینه
 روی شود هر که در او نشین باشد [و اقدامات آن
 وجود مقدس برخلاف اشرار و فرقه اجنات آنها
 نه فقط حیوة شخص ایشان را بمحاضره نشانی
 مبداد بلکه زندگی بستگان ایشانرا بر باد رفته مینمورد
 و هر يك ازین اقدامات را که دشمن دوستی اداره

نه سینه سینه روح بنام ...
 در این عالم کون و فساد خواهند زیست : کدام
 تاریخ است که عزت یگونی را ابدی نشان داده
 یا ذلت يك ملتی را ابدی در صحائف خود
 نگاشته هیچ ملتی را از خود مایوس نماید - زیرا که
 در یاس از جان گذشتن است (اذا یأس الانسان

خود افزوده‌اند و زبان افداع (شوده بجان طرفداران
انحاد اسلام و خادمان، عارف افتاده‌اند و مقصد
شان اینست که لفظ انحاد اسلام علانیه بر زبان راندن
تور از فکر سلیم است. زیرا که اهل صلیب از
روزیکه این لفظ بر زبان مسلمانان جاری شده بر
اهل توحید تشدید کرده‌اند و در اعدام اسلام

از خود - - - - -
نموده‌اند و آنها هم هر یکی بشکلی و مسلکی داخل
کار شده و میخواهند که این غلگه را بهم بزند
و این غر را از سر راه صلیب‌ان بردارند -
عجب اسلام - عجب مسلمان - عجب غیرت است!
فرداست که چون ازین توهم آسوده شدند خواهند

کرد کاری را که زمان برای گفتن او را ندارد
 لکن چرا نگویم چیزی را که خواهد شد. امروز
 از آثار اسلام که جامعه تمام مسلمین است چهارم
 باقی است توحید خدا. رسالت محمد (ص) قرآن مبین
 و کعبه مسلمین. یک مرتبه و این چهار چیز خواهند
 ناخت و بقیه کار اسلام را بدین وسیله خواهند ساخت
 بالجمله چو آن روز بر آید عمر یکی از
 عزیزین بسر آید [تا یارگرا خواهد و میباش که
 باشد] البته آروز صلیبیان آنچه در قوه دارند
 بخرج خواهند داد که کار یکطرفی گردد و مسلمانان
 هم در عالم جان بازی بخدا و رسول و قرآن
 و کعبه و دلاق قسم خورده اند و متعهد شده اند
 که چون آن روز بر آید بعضی دخول قوه خصم
 و حرم اسلام در تمام اقطار عالم در هر نقطه
 باشد هر چند که در خلوت برای امپراتور یا در
 مجلس سبیرا هر کجا مسلمی هست و حیات دارد باید
 تا يك نفر از صلیبی و جویا مدافعه کند و هر کس
 را بیشتر از یکی بپوشد آنهم علامت نیکو کاری
 است

در این صورت باید ملاحظه شود که
 این فکر و خیم که اروپائیان در حق حرمین و
 قرآن اسلام نموده اند از برای ایشان صرفه دار
 خواهد بود. تمام مسعمرات و مستملکات اسلامی
 تنگی انقلاب خواهد گرفت - هیچ دولتی امکانش
 ندارد که بقدر عدد نفوس يك مملکتی قوه محافظ
 و مدافع در آنجا نگاه دارد چهارصد ملیون نفوس
 اسلامی چهار صد ملیون محافظ بخواهد - بالجمله
 قیامت است آروز، ایام ندامت است آن روز - باید
 از سبب این اروپا سوال کرد که در این فکر چه
 صرفه وجه بهره منظور دارند ای تمدنین! ای
 مدعیان تائیس تمدن عالم چرا از صلح و مسالمت
 دوری میکنید؟ چرا مردم آزاری دوست میدارید؟
 راحت اجناعات بشر را چرا سلب میکنید؟ گیرم
 که دستیاب شدید و عالم یکام شاشد؛ آیا چند عصر
 در این عالم کون و فساد خواهند زیست؛ کدام
 تاریخ است که عزت یکقوی را ابدی نشان داده
 یا ذلت يك ملتی را ابدی در صحائف خود
 نگاشته هیچ ملتی را از خود مایوس نماید - زیرا که
 دریا از جان گذشتن است (اذا یانس الاناس

مال لسانه. کشور مغلوب بصول علی الکلب. و
 اگر اروپائیان بفکر خام افتند علم و مهارت و انسابت
 و تمدن را بد نام کرده اند و وحشیت خود را
 در ربیع مسکون اعلان نموده اند

ما ینع الندامة یوم الندام

محمد رضی کازرونی

کشف حجاب از صورت صدق

بین تفاوت ره از کجاست تا کجا

چون همواره این اداره جلیله اسباب افتخار
 ایرانیان در خیال احباب میباشد - لذا بر آحاد و
 افراد ساکنین این وطن مقدس حتم و لازم است
 که چون منهد یا مفرض در صدد برآمده که
 دامن پاک این اداره را بلوث کذب آلاین دهد
 باید حتی المقدور بوقوع رسیده دفع یا آنکه بمقام
 جبران رفع کند چنانچه در این هاله اسلام سوز
 بیاردمان عمارت سرکار فیض آثار که فقط بواسطه
 غرض شخصی علمای متهم داشته و حال آنکه مقام
 منبع آنها ارفع و اعلا از اینگونه صحبت هاست،
 خدا عالم است و گواهی که این صدمه روحانی
 چه قسم قوای جهانی روحانین را تحمیل و
 اضمحلال رده سبها ساحت مقدس حضرت حجة
 الاسلام آقای آقا میرزا محمد ابراهیم مجتهد دامت
 برکاته که یکی منزله و مبرای از یاره مذاکرات
 لاطائل است، و الملحق من جمیع الجهات مایه اقتضار
 ملت اسلام و باعث اعتبار علمای اعلام بلکه موجب
 تفوق این فرقه بر بقیه اصناف است. این وجود
 محترم علاوه بر بررات از یاره انسابت نهایت جد و
 اهتمام را برای رفع این اتفاقات که فی الواقع می
 توان ادعا نمود که آت قوت قلب بجهت رفع
 اقدامات اشرار با اقتدار فوق العاده آنها خارج
 از ذائق بشریت است این اقدامات مجدانه را باعث
 نبود مگر دوستی بیامت و وزن محترم با قطع نظر از
 اینکه حیات در معرض خطر است فرمودند عمدا
 بامضا آن اقدامات را مشروحاذیل میدهم - | تاسیه
 روی شود هر که در او غش باشد | و اقدامات آن
 وجود مقدس برخلاف اشرار و فرقه اجناعات آنها
 نه فقط حیوة شخص ایشان را بمخاطره نشاند
 مبداد بلکه زندگی بستگان ایشانرا بر باد رفته مینمود
 و هر يك از این اقدامات را که دشمن دوستی اداره

محترم که خبر داده مکر است خوب است بمقام برآمده ما را منع و در صورت کشف خلاف اداره مختار است که رسماً کذب و شریر را اعلان نماید و الا مفروض را بنحوه صلاح مجازات دارد.

اولاً دوستانه بمخبر میگوییم که اگر شما بگوئید از اقدامات لازمه بی اطلاع هستیم عرض میکنم دروغ میزنم تا بعد زیرا که ادانی از اهالی هم این مطلب را دانستند و فهمیدند جناب عالی که از اهل اطلاعید چگونه استنهام نگردید و سلمنا مطلع نشدید حیل دروغ و ارتکاب بیج را چرا؟

اقدام بدخل مگر نبود که آقا در مسجد از حرکات اشرار متوجز شدید بحدیکه مودرها از کمر بفسد آقا کشیده شد بسمیکه موجب وحشت ناظرین گردید ولی آقا بمساعدت فوره ایامی بدوشت اینکه اعتقانی بزدکی نماید با کدورت خاطر از آنها تبرا فرمود بحدیکه آنها را بوادی حیرت انداخت ایضا بود که بکتابخانه روز بقوه جبریه آقا را در مسجد محافظت نمودند مگر آقا قبل از مداخله اجانب کار جدرا در اثناء حرارت صرفین نداشتند به مجرد مداخله اجنبی خدام بیداند که بر این وجود محترم چه گذشت و چه اهمات فرمود چنانچه آقا دوفراز علما را فرستادند که شاید بوجه صحیحی آنها را متفرق سازند همینکه اشرار قصد آنها را داشتند بکاره تفنگها را فشنگ و بنای هر زه سرانی در بارة دات منکونی صنات آقا نهادند. اقدام دیگر آنکه رسماً حکم بحرمت بستن دکاکین دادند اهل بهم که حکم آقا را لازم الاضاعت میدانند فورا امتثال نموده مشغول کسب شدند ولی چه فائده که اشرار بدون خوف از مجازات حضرت احدیت جل ذکره فواحش را تحریک نموده دو باره دکاکین را بستند. اقدام دیگر بعد از اکتشاف اینکه حکم مزبور قائده بحال اشرار نبخشیده و متمر ثمری نگردیده چاره انحصار یافت بدادن حکم حرمت حمل اسلحه. خدا عالم است که پس از صدور این حکم چه نسبتها در حق آقا داد که قلم را یارای کتابت نیست، روز آخر که این اقدامات نتیجه صحیحی نداد بلکه اشرار بر حرارت خود افزودند، آقا در منزل خود علما و باستحضار تولیت جلیله دعوت کرده پس از تشکیل مجلس با آنها مشورت را بمیان نهاد از یک طرف

تولیت جلیله التماس مینرمود که دو روز دیگر مهلت بگیرند شاید چاره سازند و همچنین چند نفر از علمای بی غرض که طرف وثوق عامه بودند از قبیل جناب حاج شیخ مرتضی و دیگران را فرستادند بمسجد که اشرار را بالتماس و تقبیل دست و پا متفرق سازند و طرف عصری قرار به تشکیل مجلسی مرکب از علما و اعیان در منزل آقای امام جمعه که جنب آستانه مقدسه است شد که تولیت جلیله بمراجعت از سفارت خانه خبر مهلت را بوسانند و ظن قوی بر این بود که اگر مجلس عصر تشکیل می یافت اشرار متفرق میشدند. چرا که آقا در کمال قوت قلب مصمم شدند بر اینکه بانساق بقیه از علما و متدینین از مردم بمسجد بروند و از صمیم قلب مصمم شده یا کشته شوند یا اشرار را دفع سازند معلوم است که همه چه مجلسی انعقاد پذیر بست دو ساعت بزروب صدای توب قلمه کوب و توبهای دیگر بلند گردید، خدا دانا است که بر ساکنین آن مملکت چه گذشت هیچ زمان تاکنون مکاتبه با اداره محترم نداشته ایم و حال که مشغول تسویه این ورقه شدیم قرائت میکردیم روزنامه محترم را دیدیم خبر نگار بدوشت اثبات بشاعت کذب و قباحت دروغ یا ملاحظه از مقام شایخ اداره جلیله بیداد در غرض کرده و باواژ بلند فریاد میباید دروغ خود را و اشاء میدهد که خلاف واقع را توهم میکند طرف اضمینان تمام اهالی ایرانرا که دوست و دشمن گواهی و شهادت میدهند که تاکنون علی باین صحت و ایقان درست و اتقان تاریخ عالم کمر یاد میدهد

لذا تکلیف مذهبی ما را بر این کاشت یعنی دو این نام حیرت و پریشانی که مطامع میکردیم غرض فسد را که بدروغ انتشار میدهد خود را طرف ایمن یا قریب بارتفاع شبه از اداره محترم مجبور یافتیم وطن پرستی و دوستی اداره محترم تقاضا نمود استیکشاف خلاف را و مقضوع در این باب این است که امتثال امری که متعلق بتکلیف شرعی ما ما داشت نمودیم، هرگاه مدیر محترم جریده جلیله درصدد اطلاع برآمده از اشخاص متدین بی غرض تقبیل فرماید اطلاع کامل بر صدق قول قائل خواهد نمود که مراتب این وجود محترم ارفع و مقاماتش

بمنع صحت عملش اظهار من الشمس و کمال علمش این
 من الامراسات الضل ما شهدت به الاعداء) اگر از
 دشمنان بی غرض استفسار شود انکار صدق این
 مقالات را نخواهند داشت. مدیر محرم از کسانی
 سراوده و مباشرت نامه با قرابت و خویش نزدیک
 و از مراسمی برده و ذکری کرده اند چون میان
 آنها مفروض بهم میرسد نظیاری شده، نامه اهالی
 مسبقند خشمی جزئی و خویشی بسیار بپیدی
 داریم فقط حکم انصاف مارا مامور برفع حجاب
 غرض از آن بشکاه نمود. برهان قانع قوی بر
 اینکه بعد از استعفاء اداره و تکمیل اطلاع که
 استحضاری کافی حصول و بروزی وافی وصول نمود
 ایمان مستحکم مدیر در آینده حکم بمذرت و حیران
 گذشته خواهد فرمود مستقبل تلافی مافات بالمسئلی
 را خواهد نمود و رفع کمورت از صرات حاضر
 مقدس که از انقاء دشمنیکه ایداً از ارتکاب مخالفت
 شرع مقدس غمناک نیست و در تصویب دماء پاک
 مقدسین بی باک است تولید شده چنانچه دشمن به هیچ
 وجه ملاحظه در این مورد مخطر باریک نکرده
 علی ای حال وقت را منتهم شمرده و موقع را از
 دست نداده غرض را بتقام استعمال گذاشته و حال
 آنکه میداند دشمن اجنبی چه اندازه این شخص
 را محل پیشرفت مقاصد خود میدانست عوض دوری
 از نفاق و مساعدت و اتفاق در این محل و موقع
 همراهی با خیالات دشمن نموده، واقفاً مثل معروف
 شمشیر دشمن کاری نیست ولی، الامت دوست، مملک است
 چنانچه در این واقعه غرض را بنیاس جلوه میدهد
 که موجب تفریح قلب بیگانه میشود و از این
 مذاکرات طرفین به تیغ سحریه و تیر استمرا گرفتار
 قادره تنال بحق نیکان و ارواح پاکان دین اختلاف
 را از این ملت بخت بر گشته مرتفع فرماید خدا
 عالم است که این جمله ناگوار و حادثه اسلام سوز
 چه صدمه و فشار بر قلب اهالی خصوصاً این
 بزرگوار که آنی غنالت نورزیده در عوض اینکه
 در این مقام دشمن خاسکی عداوت را کنار گذاشته
 تسلیه بگوید بر عکس بی باکانه اشاعه دروغ میدهد
 معلوم است که این اکاذیب چه قسم اثرات فوری
 پخشیده قلب اجانب را مسرور می سازد

حریف مجلس ما خود همیشه دل دیر
 دغلی لخصوص که پیرایه بر او بستند
 از دیر جریده نهایت تشکر و کمال امتنان را داریم
 که بعد از تحصیل اجازه از مدیر محترم تصریح بامضا
 نماید که هرگاه تکذیب گفته باشیم، مطرود عموم
 خلائق و صرف شانت خاص و عام باشیم - مستعدی
 هستیم عین این ورقه در ستون جریده فریده درج
 فرموده و در واقع جواب اکاذیب سابقه شود -
 (مهر ۶۰ نفر اهالی)

(حبل المتین)

ظاهر است که ما را با احدی خصوصاً فرقه
 روحانیین هیچگونه غرض و مرضی نیست و هیچگاه
 حبل المتین تا خبری از موفقین اداره نیاید یا بعد
 شیاع نرسد درج نمی نماید، ما اگر تمام نگارشات
 فوق الذکر را قبول نمائیم واقعه يك ساله قبل آقا
 میرزا ابراهیم که در مسجد متحصن شده بودند و
 سبب قتل چندین نفر عوام شدند چگونه تکذیب
 کنیم و در حقیقت همان واقعه مقدمه واقعه اخیر
 بود در صورتیکه جناب آقا بی تقصیر باشند و یا
 بر حسب نگارشات فوق خدمت هم کرده باشند
 چرا باید جزء معزودین از شهر شان فرار دهند؟
 روزنامه طوس که شرح اخیر را نگاشته و سایر
 روزنامجات خراسان که شروع اولیه را بسط داده
 مصدق آنچه ما نگاشته ام نیست؟ آیا فتوایکه آقا
 دکاشته و محمد علی را خواسته اند دروغ است؟
 علاوه بر این ورقه اوراق اگر صحیح بودی بایستی
 بامضا یا معرفی یکی از معروفین اداره باشد يك
 مشت مهر بدون امضا بيك ورقه زدند
 برای شهری مانند مشهد که هزاران حکام موجود
 و نزد هر يك صدها مهر حاضر است چندان
 دشوار نیست

غرض این است که جناب آقا و انال ایشان
 بدانند که نمیتوان کشف مرایر را باینگونه دسائس
 نمود و ما هتیه گذشته از روز نامه شریفه دوس
 نقل نموده ایم که ایالت جلیله جناب آقا را بتقصیر
 اینکه علت العلل پیش آمدهای اسلام سوز خراسان
 بوده اند امر به اخراج از شهر فرمود آیا اینهم
 دروغ است؟ آیا مشاورهای آقا و خلوت و جلوت

العناية صاحبة الخلافة العظمى و حامية الحرمين الشريفين قد بنت عليها حكومت إيطاليا الظالمة و نواتها العدوان و الحرب في ولاية طرابلس افريقيا المتاخمة لمصر ، و حيث ان الامة الاسلامية امة واحدة بدليل قوله تعالى (وان امة واحدة) و حيث ان المسلمين اخوة يجب عليهم معاونة بعضهم بعضا بدليل قوله تعالى (انما المؤمنون اخوة) و قوله عليه الصلوة والسلام المؤمن للمؤمن كالبنيان المرصوص يشد بعضه بعضا .

و حيث ان الله جل وعلا قد امرنا في كتابه الكريم ان نرد كيد المعتدين علينا بدليل قوله تعالى من اعننى عليهم فاعدوا عليه بمثل ما اعننى عليهم) فيجب حتما على كل مسلم و مسلمة يؤمن بالله و اليوم الاخر و ملائكته و كتابه و رسوله ان يدفع هذا السد الذي نزل باخواننا في الدين ببدل نفسه و ماله بدليل قوله تعالى (وجاهدوا في سبيل الله باموالكم و انفسكم) و اى سبيل الله اقوم و افضل من الجاهدة لدفع عداة حكومة ايطاليا الباغية الطاغية على اخواننا المسلمين لهذا ندعوكم اولاً ان اعيدوا دولة خلافتكم في حرمها ببدل ايمان و النفس كل على قدر طاقتة و استطاعته لان ذلك اعانة لـ اخوانكم المجاهدين بطرابلس و ان تقضوا كل معاملة تجارية و معاشية مع الطليسان النازيين و التقيمين ببلاذكم اى تقاطعوا هم مقاومة ما

هذه دعوتنا اليكم كتبناها بدم قلوبنا نرجوا منكم ازاحتها و نشرها بين اخواننا المسلمين بطرقكم كما نرجوا توزيع النسخ الرسالة مع هذه على بعض الاخوات لقرايتها في المساجد او نشرها بالفرق التي تستحسنونها ، و نحييكم عامات ان هذه الدعوة قد بيثت ايضا الى اطراف السلام الاسلامي و انما نضرب الى الاولى عزو عداة ان يلبسكم الصواب و ان يشرككم على آراء هذا الفرض الذي نوابا نظمها

اخوانكم في الدين

المسلمون التقيمون

به البانيا

های ایشان با سید محمد زدی که خوینتر را طالب الحقی نامیده داشتند چیزی است که بتوان دستور داشت درست است که بکنده تا مشهد مسافتی بعید دارد ولی هرگز حقایق دستور نمیاند ایرادی که جناب آقا میتوانند وارد آرند این است که باهمه شرارت سید محمد زدی را رهائی بخشودند و مرا از شهر بدر کردند بی ما هم در این ایراد اگر آقا بگیرند شریک ایم و از شخص ایالت جلیله شکایت میکنیم که نباید اینگونه مودی ها را رهائی بخشوده و عانی را بصدمة انداخت بقول روزنامه شریفه خوس باید منتظر یک انقلاب دیگر بواسطه شرارت این شخص بود امیدواریم که ایالت جلیله این مجسمه شرارت و فتنه را از محبس خارج نه نموده مورث جرئت وی و ساترین نگردند تا دیگران نگویند من حرب انجرب حلت به الندامة

قابل توجه اسلامیان

مقام اهدلی در طرابلس غرب و اجحافات وحشیانه آن بر مسلمانان مظنوم آسانان نه اندازه است که به تحریر توان آورد و گویا جسته جسته احدی از مسلمانان نیست که تا درجه مطلع از آن وقیع اسلام سوز نشده باشند . مسلمانان چه بر حسب قواعد مذهبی و چه با اصول سیاسی در دفع این مظالم عربیک باندازه خود دارای تکلیف میباشد یکی باید قضاوت گرفته بمیدان دفع درآید دیگری باید که به اعانه طایفه مدافعین اسلامی را حایه کنند ولی تکلیفی را که شامل حال عموم مسلمانان است همما اشتقانه نامه ایست که (اسماعیل حقی بی) یکی از اعضای شورای عثمانی و اسلام خوهران عبور است بزبان عربی نگاشته و اشاعه داده است و ما برای اخلاص برادران اسلامی خود دیلاً نگاشته و تمنا به پیروی فرمایشات ایشان می نمایم

استفان نامه اسماعیل حقی بی

به عموم مسلمانان

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله على نعمة الاسلام و الصلوة والسلام على خير الانام اما بعد فتحيبكم بتحية اهل الاسلام و نسال الله لنا و لكم الهداية و حسن العظام و نرفع اليكم بهذا ما ياتي - تلموث ان الدولة

مکتوب یکی از مجانبان وطن

اگرچه با وجود نصابی بزرگان دین و صاحبان عقل و درایت و تحریرات جراید بی عرض که در این مدت اهالی ایران را دعوت با تفاق نموده ذره بردطای چون صخره صهای رؤسای ایران اوتکرده دیگر از این به له گفتن و نوشتن چه حاصل جز رخ خود و زحمت مردم دادن ، الحاق سلاطین قاجاریه خدمت بزرگی بایران کردند بعد از سلطنت آقا محمد خانب با وجود مهلتی که روزگار بآنها داده بود آن امتداد زمان مرحوم فتحعلی شاه و محمد شاه و بجاه سال دوره ناصرالدین شاه ممکن بود امروز بقدری اهالی ایران ترقی کرده صاحب علم شده باشند ~~که~~ از روس و انگلیس ترقی آنها کمتر نباشد و جمعیت ایران از شصت کرور زمان محمد شاه صد کرور رسیده باشد لکن هزار افسوس که بجهت ریاست استبدادی دو روزه و عیاشی ها ملت ایران را از علم محروم ساخته آنچه رجال صاحب علم و صاحب غیرت هم بود آنها را کشته مثل مرحوم مقتول امیر کبیر قائم مقام بموض رجال وطن پرست کافی عالم جمعی رجال بی شرف بی ناموس بی غیرت جاهل را بر ملت مسلط نموده شهرها را بحکام جبار ظالم فروخته متدرجاً دو تلت از خاک بلك ایران را بهمسایگان واگذار نموده اکثرت ظلم بجائی رسید ~~که~~ شصت کرور جمعیت ایران به هیچجه کرور تنزل کرده تمام بخاک روس و انگلیس و عثمانی رفته آنچه هم از شر ما و ورین تبعیت خورجه را علمای اعلام و حجج هر کدام صاحب تقوی و دین بودند از روی یا مجاورت در عتبات عالیات اختیار کرده اغلب از ملاها با حکام و قراش باشی ها ساخته به تاراج ملت مشغول .

اجتهاد که آنها علوم مقدساتی و ماخرات شرط وصول بآن درجه میباشد و بعد از تحصیل آن علوم باز باید دارای قوه قدسیه باشد با چاق و ششیر تحصیل نموده بالاخره از القاء تفاق در میان ملت ایران و اعمال ملاها مذاهب جدید در مردم ایجاد شده بقوی دلیل آنها این است که اگر مذاهب شما حق بود پیشوایان شما ظلم نمی کردند رشوه نمی جوروند احکام بنیرما از لاله ناسخ و نسخ نمیدادند .

حکام هر کدام از ظلم و تاراج ملیانها جمع کرده دربانگها گذارده منتظر حکومت اجانب شدند تاجار یا مثل تاجار مشهد گندم خالصه را از حکام صد من دو تومان خریده پنج تومان ده تومان بمردم فروخته یا هر روز جنسی از خارجه آورده يك ذبچه از اصناف را بیکار کرده بالاخره سکه دولت را بجهت اقتضای رسانیدند . اکثرت عیاشی پادشاه و رجال دولت که میخواستند ظاهر خود را مثل مردم اروپا آرایش دهند و تجملات یارک و مبل بازند و هر روز بسیاحت اروپا و عیاشی و شرب مسکرات و تمشق با مادامهای حور لقا نمایند دخل ایران کفاف خرج آنها را نداده متدرجاً بنای قرض از خارجه را نهاده تمام دولت های بی علم از قرض متقرض شده هر حال قرض های بیشوم را نموده امتیازات چند داده که هر يك برای زوال يك مملکت کافی است

علمای بزرگوار مثل مرحوم حاجی میرزا حسین رحمة الله و حضرت حجة الاسلام آخوند ملا محمد کاظم رحمة الله و حضرت آقا شیخ عبدالله مازندرانی سلمه الله و حضرت صدر و سایرین ~~که~~ چشم آنها باز بود و واقف بمواقف عصر بودند همینکه دیدند ایران قریب اندراض رسیده عما قریب دین شیعه و ملت ایران کابه مشرف بر انهدام است در مقام علاج برآمده علاج را مانعصر بنین دیدند که دست این خائنان دولت را ~~که~~ کوتاه کرده دولت ایران هم مثل تمام دول روی زمین دولت شوروی باشد خود ملت وکیل با آن شرایط انعام نامه انتخاب نموده ناظر اعمال دولتیان باشند ، دراول که قنای و جوب مشروطه داده شد با تفاق بزرگان دولت و ملت تا مال خود رسیده مواعج را برداشتند . لکن بعضی صاحبان اغراض درمیانه بنسای غرض رای گذارده این جور در افواه انداخته که تا بحال همراهی علماء و حجج اسلام خوب بود حالا دیگر مضر است باید آنها را مضمحل کرد .

علاوه جمعی بیدین جاهل در شهرها مامور کرده يك دفعه مردم را در استعمال منیبات و همه جور فسق و فجور آزاد کرده و درجه ظلم را بجائی رسانیده که يك دفعه تمام قلوب متزجر شد مثلاً در هیچ جای دنیا برارزاق عامه ناس ، شیر ، نان ، گوشت ،

کسی مالیات زیاد نگذارده و کثرت نکرده. حضرت شرف‌الیهاب شهید سعید آخوند ملا محمدکاظم خراسانی ارواحنا لیه الأرحام همینکه دیدند عموم ملت از مشروطه بیزار شده و این ظلمهارا از مشروطه میدانند فوراً آن تلگراف ۷۰۰ کیلومتری فرموده. آنهایی که هنوز در اخبارات ایشار میدهند که این تلگراف مشروطه ضرر داشت خلاف میگویند. این تلگراف مشروطه را احیا کرد مشروطه را اغراض شخصی بعضی رجال دولت و وزرای نظام و ملاها یعنی صاحبان ادین جدید حکم حرقت خورها بدام کردند چنانچه امروز اسان خجالت می کشد در خارجه نام خود را ایرانی نگویند. در تمام این بیانکت شش زار ساله کافر عالم و من پوست - صاحب شرف نه بود مگر کسانی که در راه وطن جان دادند و نقیض شهادت نایل شدند. اسان وقتی از اوضاع مشهد مقدس میخواند مات و منجم می شود که در قبه الاسلام ابراهیم که با اعتقاد اهل اسلام مصافق ملائکه آسمان چه سلاطین بزرگ که پیاده ریزت این آستان مقدس آمده جوی از ملاهای کسی نمایند که کفار توب بر این مقام مقدس است تاراج نمایند. اسفیل اسبان خود قرار دهند از کفار روسی وحشی جوی که و اعراض نیست بر دامن کبریای خدا و حجة خدا گرد نشینند چه بر چند مصبر خاص آل نبی هم اسب ناخفته پیام نموده ابد الدهر فلوب عموم اهل عالم از این کفار وحشی بیزار است. هزار درجه از آسمان بدتر مکانی هستند که نام خود را مسلمان نهاده راضی باین توهین بفرقد امام خود شدند و مجاور آستانه مقدسه حضرت نامن الائمة علیه السلام بودند و راضی باین فجیبه شدند بر فرض اهل خراسان از ترس کفار خود را ناخفته و خراب کرده حرمت نکرده حس دینی خود را ظاهر نمایند

معلوم نیست سایر ملاهای ایران چرا انقصاد مخالف تخریب نه نموده مساجد و تکایا را سیاه نه پوشیدند. درد بالای مسلمانهای هندوستان بخورد بجان ملاهای بی دین ابراهیم که محبة رشوه یا جهالت بقدر يك شر هندوستان اظهار تبری از روس نکردند هنوز باره از ملاها با این کفار وابسته و آمد و شد و دید و باز دید دارند و از

مباشرت با آنها فخر می نمایند، هنوز که فل حار یحمل اسنارا نقل نمی نمایند که حیات و استقلال ایران و دین و ایمان و اسلام موقوف بمشروطه بود. هنوز نقل نمی نمایند که غلای بزرگوار که فتوای وجوب مشروطه را دادند چه قدر نزد خدا و عموم اهل عالم بزرگ و حق خدمت را باسلام نمودند خاصه حضرت غنرانب حجة الاسلام آخوند که از نصح بشهادت نایل شد و نزد خلق خدا زنده ابدی است

الحمد لله بآمال خود رسیده مشروطه را موقوف استبداد را احیا فرمودند در مدت شش سال يك وزیر ایرانی يك قانون صحیح ایجاد نکرد يك وزارت از روی علم و عمل دایرند يك مدرسه صحیح نسین نگردید که ناری از دل بردارد؛ مثل قاب بازی روزی ده دفعه تغییر و تبدیل کاپینه شده است تا در کار بود در آخر بر تمام روی زمین ثابت شد که در ایران فقط الرجال است بکتر آدم کافی صاحب علم و فن خواه که عرض شخصی نداشته باشد نیست. ابراهیم وطن عزیز شش هزار ساله ما عبارت است از ایلات درد بی شرف که نسب خود را دزدی قرار داده رؤسای آنها انتحار می نمایند بدزدی و تاراج و خدمت با جانب. و اسباب زوال ملک و ملت و دین و اموس خود و اسباب و فن خود را فرام آوردن و جوی ملائکه که هنوز برای صدر نشستن جنگ و جدال دارند و چندین میدان صاحبان لقب شاید عشری از مردم ابراهیم لقب نداشته باشد باقی یاسردار یا امیر یا صمصام یا خرمغان یا فلان یا بهان اسمهای آنها از میان رفته القاب بی مسمی بر خود نهاده مجسمه های بی شیرتی

شیر بی دم و سر و اشکم که دید

این چنین شیری خدا هم نافرید

اهل خراسان در اول شایسته بود فخر نمایند که مثل وجود مقدس آخوند از اهل خراسان خدمت بزرگی بقاطبة اهل اسلام فرموده

بالاخره آنچه در باره خراسانی از جهالت و حسانت مشهور است ثابت کرده ابد الدهر نام آنها را زشت و بی دینای خصوصاً مرتکبین بلعن ابدی یاد خواهند شد. اهالی هندوستان نیز

کدورت قلبی که از انگلیسها داشتند رفع شده زیرا که دولت انگلیس هرگز توهمین بمساید اقوام مختلفه هند روا نداشته . معلوم شد وحشیهای شمالی که از اولاد های ملکت او کرانی میباشند اقبای راندمب و ملت هدیج قوم نه نموده بلکه خاصه دست بالا زده که دول اسلام را کویه منقرض و تمام کشیشات و اهل صلیب را از خود راضی کند . هرگاه بعد از این واقعات که تمام اهل اسلام بچشم حس مشاهده می نمایند که اینها تا بحال چه قدر از مسلمانان را بدو سبب و بدو بیچگونه دست آویز فقط محض خاموش کردن نور توحید و تمام کردن کله طیبه لاله الله محمداً رسول الله بنده رسانیده دولت جبرئیل روس عمداً محض اذیت نور خدا در تبریز روز عاشورا نمای بزرگوار را مصلوب و حتی بی گناه را پایمال نموده و در مشهد مقدس بر گانده منبر حجه خدا توب بسته و حتی زن و مرد زابرین فقیر را که از افشار و اکناف نام بزرگ آمده مقتول ساخته . خزائن آن حضرت را تاراج کرده مسلمانان بیدار شده اتفاق نه نمایند تمام مسلمانان روی زمین را کفار مشرک اهل صلیب قهراً نصاری خواهند کرد چون ما از رؤسای دولت و ملت و ایلات ایران مایوسیم که از کثرت جبرانت و نفاق غیرت آنها تمام شده و تریاک عرق عبرت و عصیبت آنها را قطع کرده بعضی هم بشهرت های بی حقیقت مشهور شده

نست در خانه دم جز بار

پیس فی الدار تیره دیر

دوس خواندن در خارجه و در مدرسه سیاسی تحصیل کردن کسی لارد کوزن نمی شود خوب است حب وطن نیز از انگلیسها بیاموزند عمل هم در کار است . در جنگ تونسوال در لندن از پس محض شرف و افتخار مردم برای جنگ با فریقای جنوبی رفته و کشته شده بودند خانه نه بود که عزرا دارنه بودند . ایرانی دهان خود را بک فرغ باز کرده منتظر است از قرض میثوم خارجه حقوق خود را گرفته استنشاید . فلان وزیر در عین ابتدار با فلان رئیس الساروقین رابطه سری دارد آه آه آه ! بر جای اوشیروان - اردشیر -

کبومرث - امیر ارسلان - شاه اسماعیل - شاه عباس - نادر شاه - چه اشخاص نشسته اند وجه قدر مفت و رایگان خلك يك ایران را به پیکانگان فروختند

دنگارش يك از موثقین از کرمان

بعد از حرکت امیر اعظم جیمی افشار و بیست و پنجی مامور شهر شده ، شجاعی خان این خانی افشار بقرار معلوم روانه انداخ شده که زمان ورود امیر اعظم مجدد مراجعت نماید یا نباید . ما هر قدر از امیر اعظم تمجید نمائیم و پاس حقوقی ایشان را منظور داریم وقوه قاب و رشادت و شجاعت حضرت والا را در تمام اخبارات افشار دهیم جا دارد . هان بخانها ها از جنگ اول امیر اعظم تمجید می نمایند و اقرار دارند که اگر سوارهای امیر اعظم دو ساعت دیگر ما ها را تهاقب کرده بود اشک از ماها ز تشنگی مالاک می شدیم . در کوهها و سنگالها جن میدادیم ، همی که با دور بین استیاض فرمود که از جیمی میخواهم تحسین آب نمائیم اردو را امر مراجعت نمود . از آن بالا تر آنکه در صورتیکه امیر اعظم رؤسای ایلات افشار و بیخانی و امیره را گرفته زنجیر کرده حتی هنگام گرفتاری آنها جنگ کرده کشته و زخمی شده . در جایی که قریب پنج هزار درب خانه افشار و پارس درپ خانه بیخانی و چند هزار سایر ایلات مثل قرانی تری و سدیبه در ده فرسخی بیخانی منزل دارند اخبار مزولی حکومت افشار بعد البته هر کسی بر از امیر اعظم بود فیه را زده ای آب متروق شده ایلات او را تاراج بلکه اسیر میکردند ، لکن این شخص با بیایت قوه قاب که بعضی از نوکر های شخصی خود ایشان نیز بنای مخالفت را پایه رؤسای مزبور را تحت الحفظ بشهر فرستاده خودش با سوار های شخصی در قنچ آباد ۳ فرسخی شهر آمده اصلاح امورات خود را نموده از راه خراسان روانه شد . یکسر میرزا علی نام همدانی که شخص دکاندار سابقاً در هندوستان تحصیل زبان انگلیسی نموده معنی مهم مدرسه ملی بود باوجود تبعیت انگلیس خود را از تبعیت خاق و نزد امیر اعظم نوکر شده از واور مال و خرجی داده روانه شهر فرموده او را

در راه کشته مال و پوائش را برده جسدش را در
جایی انداخته احدی از اعضای حکومت و مامورین
شهر دوسدد تحقیقات حال این بیچاره مظلوم بیکس
برنامهده بهیچ وجه کسی را مامور تحقیقات نکرده
بدون تفصیر که از روی حب وطن خدمت میکرد
و خود را از تبعیت خارجه خلع کرده بود شهید
کردند امیر اعظم حق بزورکی بر مردم شهر کرمان
نابت کرد که جان و مال آنها را از اوردوی افشار
بجاقچی نجات داد

فتوحات امیر اعظم و کشتن بعضی از مفسدین و
گرفتاری رؤسای مقتدر ایلات به تمام کرمان و بلوکات
امنیت داده تمام بلوچستان و گرمسیرات تا دینار
آخر بدون فرستادن اردو مانیات خود را میدادند
هرگاه فارس امنیت داشت کرمان مثل دوره
ناصرالدین شاه مامون شده بود، فرج الله خان شهر
با یکی که بحاجت جمعی سارقین عرب جاساتی را
بیاراج و فسنجان فرستاده بود بواسطه افتاده عریضه
مذرت نوشته اکنون که حامینا حرامینا مجدد
امنیت سلب شده لاکن تلگرافات امیر منجم که در
این چند روزه رسیده اضمینان کامل داده اند که
کافی ایالت کرمان را امنیت داده راه تجارت باز
خواهد شد، عجاتاً که راه تجارت مسدود است،
فرج الله خان شهر با یکی بحاجت سارقین عرب دور
یزد و فسنجان را تمام تاراج کرده حتی الاغهای
دهات دور یزد که میوه بشهر میبردند تاراج کرده
برود، و فسنجان نیز بهمان حالت افتساده، امروز
حالت رعیت فقیر ایران را نمی توان تشریح کرد
چون مرآة خراب است و وشته امور گسیخته
ایلات که باید رعیتی نمایند هر صایفه خود سر
شده کسب آنها دزدی است، بقیة السیف هم که
از تاراج سارقین معاف مانده گرفتار تاراج
شیاط و عمال و مامورین اند، مثلاً بکنفر نایب الصدر
شیرازی از درویش مامور اوقاف کرمان است
قطف فن ایشان همین است که فلان ملک مجبور التوایه
است تملق بدعا گوید دارد، چون علم درکار نیست
قانون نیست، علاوه از اصلاح هزار جور مناسد
تولید می کند، لهذا عموم علما اراده دارند خلع
ایشان را از مرکز بخوانند، از آنطرف اغلب
موقوفات بدست هر بی انصاف افتاده بواسطه عدم

مراقبت و مخارج اگر ملک است طایفه شده اگر
مستقلات است مردم گشته، موقوفهای بزرگ که باعث
احیاء شهری است بدست هر نا اهل افتاده، باری
چون غرض شخصی نداریم از اسم و تصریح بنام
صرف نظر نموده کلیه بگوئیم، مملکت ایران نه
مشروطه نه استبداد است که بکنفر در هر شهر مالک
رقاب باشد، مثل حکایت زاغ است که از تقاید
کبک عاجز مانده رفتار خود را هم فراموش کرده،
از مشروطه عاجز داریم سهل است استبداد را هم
فراموش کردیم، مگر دستی از غیب برون آید و
کاری بکند

مخاتماً آمر و نامی و فرمانفرمای کرمان بکنفر
کلاتر موفقی که منصلاً شرح حال آت عرض
خواهد شد

بندر عباس

چون در تلگرافات و وتر ملاحظه شد که
اشرار بهارلو حمله بر بندر عباسی نموده و بسیاری
از مال التجاره خارجه را برده اند محض استحضار خاطر
قارئین محترم لازم دانست حقیقت واقعه توضیحاً نکاشته آید
تاریخ ۸ صیام عده از سوار بهارلو وارد
توابع بندر عباسی شده و الی نای بند نیم فرسنگی
شهر نیز آمدند اما نتوانستند دست بردی نمایند نه
مال تبعه داخله و نه خارجه سوای اینکه یک نفر
سهرابچی نام از فارسین هند که منشی انگلیسی
در تجارتخانه جمشیدیان عباسی و محض تبدیل هوا با
عبال خود در نای بند رفته ظاهراً اشرار بخانه ایشان
داخل و اگر مختصر اسباب بود شاید بفارت رفته که
نایب الحکومه عباسی مستحضر شده فوراً تفنگچی حرکت
واشرار را از نای بند فرار دادند پس از آن اشرار
خواستند در قریه باغوسه فرسنگی عباسی توقف نمایند
تفنگچی حکومتی در برج مستحفظ بود از در مدافعه
در آمده نتوانستند چیزی تهب و یا منزل نمایند لابد به
قریه (سرخون) ۶ فرسنگی عباسی رفته توقف و
سوار باضراف محض غارت برانگنده نمودند اما آنچه
مطلوب اشرار بود بعمل نیامده و سوای ۱۷ نفر
شتر مال اهالی توابع عباسی و ۳۰۰ راس الاغ مال
مکاری جیب آنادی که تازه از خاک کرمان وارد شده
بود چیزی دیگر عایدشان نشده قصد طرف قریه
حسن لدکی و شمیل نمودند نیز اهالی و تفنگچی که